

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران درباره ابراز نگرانی از شکنجه زندانیان توده ای

صفحه ۱۰

بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سه ماه از بازداشت غیرقانونی و توطئه آمیز گروهی از رهبران حزب توده ایران می گذرد. طی این مدت، اجازه هیچگونه دیداری به خوسانندان بازداشت شدگان داده نشده است. زندانیان در بازداشتگاههای مخفی نگاهداری میشوند و کمترین رابطه ای با جهان خارج ندارند. خبرهای واصله حاکی از آنست که آنان بر اثر فشار و زخمهای حاصل از شکنجههای شدید و مداوم، احتیاج به مداوا داشته اند و وضع برخی از آنها بسیار وخیم است.

اینکه توطئه از قبل طراحی شده مرحله تازه خود را با بنمایش گزاردن باصطلاح افسران قربانیان این توطئه نتگین و شوم که هدف نهائی آن نابودی انقلاب ایران است، به مرحله اجرا گذاشته است. جان همه این افراد بیگناه و وطن دوست در معرض خطر مرگ قرار دارد و دسته انتقام دشمنان استقلال و آزادی و عدالت-اجتماعی ایران، بسرکردگی امیرالیم آمریکا در حال فرود آمدن بر پیشانی از تنیه گاههای عمده استقلال و آزادی کشور، حزب توده ایران است.

ما قویا بر علیه این توطئهها که مخالف همه موازین انسانی و قانونی است، اعتراض میکنیم و از مقامات قانونی ما قویا بر علیه این توطئهها که مخالف همه موازین انسانی و قانونی است، اعتراض میکنیم و از مقامات قانونی

بقیه در صفحه ۱۶

راه توده

نشریه هلال حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۴ مطابق ۲۱ ربیع
۱۴۰۲ و ۱۶ مه ۱۹۸۴
سال اول، شماره ۴۰
پهنا: ۴۰ - عرض: ۴۰

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

و کادریهای حزب توده ایران را به اقرار "کاهان" نرده سان واداسته و معاینه از پیش ساخته و تدارک دیدهای را به صحنه گذاشته اند که هدف آن نه تنها نابودی حزب توده ایران بلکه نابودی تام و تمام دست آوردهای انقلاب ایران است.

حزب توده ایران اتهاماتی را که مقامات مربوطه جمهوری اسلامی ایران بسزور شکنجه و با جاشنی "اعترافات" محصول شکنجه، به آن نسبت میدهند قویا تکذیب میکنند و این شیوه کهنه پلیسی را که با همکاری و رهبری عوامل سیا، اینتلجنت سرویس، موساد، متخصصین ساواک و عوامل بزرگ سرمایه داران و کلان زمین داران انجام می گردد، وحشیانه و

بقیه در صفحه ۷

هموطنان عزیز! مردم شرافتمند جهان!

این روزها میهن ما شاهد حوادث هولناک دیگری است که با همه موازین انسانی اخلاقی و فرهنگ دیربای مردم ما و موازین پس المللی سدید مغایرت دارد. نیروهای ضد انقلاب داخلی با پشتیبانی قدرتمند امپریالیستی ستم بازس گرفتن ایران، این همه کمده خود هجوم سرتاسری خود را به حزب توده ایران، اسیران، این در مستحکم دفاع از استقلال، آزادی و یسپیان تحولات مترقی اجتماعی ایران آغاز کرده اند.

مقامات امنیتی ایران با بکار گرفتن انواع وسایل شکنجه روحی و جسمی "گرفتن اعصاب" عده ای از افراد مبارز و میهن دوست از مسئولان

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می گردد

این روزها میهن ما شاهد بزرگترین جنایت علیه انقلاب است. جنایتی که در تاریخ نه تنها بنام عاملین مستقیم آن، که بنام تمام کسانی نیست خواهد شد که در قبال آن سئوت بیسه گرد مانده. جنایتی که جمهوری اسلامی ایران را به سراسیمه سقوط به فرهنگ حکومتی آریامهری فروغلتانده است.

مردم میهن ما در این روزها شاهد اجرای سناریویی هستند که پیش تر از این، عوامل استعمار و استعمار نو نظائر آن را برای درهم شکستن جنبشهای ضد امپریالیستی و مردمی نمایش در آورد مانده. سه ماه پیش، تحت فشار راستگرایان افراطی و روحانیت محافظه کار، و با "مساعی" خستکی ناپذیر عوامل نفوذی آمریکا و "ساواک" در خدمت جمهوری "این تفکر در حاکمیت جمهوری اسلامی غالب شد که دستگیری رهبران حزب توده ایران، دارای "فوائد سیاسی" است. برای توجیه این دستگیری، اتهام سیا ساخته و ساواک پرورده "جاسوسی" علیه حزب توده ایران تکرار گشت و "اطلاعات" و رهنمودهای لازم را هم "اینتلجنت سرویس" انگلستان در اختیار ارگانهای جمهوری اسلامی گذاشت. چون سند و مدرک و دلیلی در کار نبود، ادعا کردند که "اعترافات داریم"، و چون به تصریح فرمانده سپاه پاسداران، دوماه تمام از "اعترافات" خبری نشد، شکنجه بمیان آمد با- اصطلاح "اقرار" قربانیان این توطئه شوم را

بقیه در صفحه ۶

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

مطبوعات آلمان فدرال، انگلستان، اسپانیا، سوئد، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها ضمن درج خبر نمایش باصطلاح "اعترافات" قربانیان این توطئه و نیز "انحلال حزب" توسط ارگانهای جمهوری، قسمهایی از بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در ارتباط با شکنجه زندانیان توده ای بمنظور گرفتن باصطلاح "اقرار"

بقیه در صفحه ۴

توسل حکومت جمهوری اسلامی ایران به شیوههای حکومتی آریامهری موج اعتراض محافل بین المللی و افکار عمومی جهان را برانگیخته است. بشریت ترقیخواه که بیش از این، اینگونه شیوههای سرکوب انقلابیون را در راند و نیزی، شیلی، کنگو و... چشم دیده است نمایش شوم "اعترافات" قربانیان توطئه علیه حزب توده ایران را محکوم می کند.

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

شیوه‌های ضد مردمی سیا و موساد نمی‌تواند مردم ایران و افکار عمومی جهان را فریب دهد

چگونگی دریافت باصطلاح "اقاریز" جعلی از قربانیان توطئهٔ شوم علیه حزب توده ایران از زبان متخصصین

و یا با عملکرد طویل المدت همچون مدکات (Modecat) که عموماً بعنوان مسکن و یا برای رفع اختلال حواس مورد استفاده قرار می‌گیرند، نزد افراد سالم که بدنبال بازداشت و شکنجه از یا در آمده‌اند، هسیاری، قوه تفکر، قوه حافظه و قضاوت روحی را مختل می‌سازد. در پایان آمده است:

" بدین ترتیب امکان این حاصل می‌گردد که بطور موقت از طریق تلقین و یا تناوب ضمیر و تلقین بتوان از شخص گفته‌هایی را بدست آورد که کاملاً در تضاد با بنیاد های شخصیت روانی وی باشد."

متخصصین وارد در امر شکنجه‌های جسمی و روانی تایید کرده‌اند که مبالغ هنگفتی از بودجه " سیا " برای سالهای طولانی صرف " پژوهش " دربارهٔ شیوه‌های تلقین روانی از طریق شکنجه‌های شدید شده است. باین منظور، " آزما - یش " های جنایت باری روی سرخ پوستان آمریکا و سیاهپوستان آفریقای جنوبی انجام گرفته است. چندین بار این " آزمايش " های سبحانه موج اعتراض وسیع پزشکان مترقی را برانگیخته و تحت فشار افکار عمومی دیگر علما انجام و مورد استفاده قرار نگرفته است. بخیر از موارد نادری در آمریکای لاتین، از شیوهٔ تلقین از طریق شکنجه‌های جسمی و روانی معمولاً استفاده نمی‌شود، چرا که گفته متخصصین، عملکرد این شیوه‌ها معمولاً طوری نیست که برای همیشه شخص را از آنچه بر او گذشته است بی‌خبر نگه دارد. بهمین جهت، مرتکبین جنایاتی از این قبیل باید معمولاً قربانیان خود را طبرغم " اعتراف " و " توبه " از بیین ببرند تا خود افسا نسوند.

داد، متخصصین مختلف در نقاط مختلف جهان با بررسی فیلم این اظهارات و مطالعات دقیق بر روی حالات و حرکات " اقرار " کنندگان، قضاوت خود را دربارهٔ ارزش این " اعترافات " و عمق جنایتی که انجام گرفته اعلام کرده‌اند.

مطالعهٔ صحنه‌های فیلم تلویزیونی " اعتراف - فات " نشان داده است که برای گرفتن ایمن " اقرار "، از وسایل مختلف، جسمی و روانی استفاده شده است. دوتغیر از روانشناسان معتبر فرانسوی در این رابطه تجربیات و مطالعات خود را بنابه درخواست ما تشریح کرده‌اند. ایمن دو نفر که دکتر واکس (Dr. Odette Waks) و دکتر گابی ریشون (Dr. Gaby Richon) نام دارند می‌نویسند:

" وسایلی وجود دارد برای مختل کردن عمیق، اما موقتی توانایی قضاوت و مکانیزم دفاعی شخصیت برای اینکه از یک شخص از ما درآمده مطالب و اعترافات که باو تلقین می‌کنند بدست آید."

این دو پزشک معشر بین‌المللی که سابقهٔ فعالیت انساندوستانه و ترقیخواهانه دارند ادامه می‌دهند:

" این وسایل عبارت است از ترکیب چند شیوهٔ جسمی، روانی و دارویی."

در ارتباط با وسایل جسمی آمده است:

" این وسایل شناخته شده، عبارتند از: توسل به انواع شکنجه‌ها مانند سر را در آب فرو بردن، سلاق زدن، سوکهای الکتریکی و غیره."

همانطور که می‌دانید، این شیوه‌ها همان شیوه‌هایی است که " ساواک در خدمت جمهوری " از ساواک شاه پارت برده است. در رابطه با وسایل روانی، این دو پزشک متخصص مهمترین شیوهٔ شکنجهٔ روانی را " انزوی محض " چه از نظر اطلاعاتی و چه از نظر حواسی دانسته و آورده‌اند:

" ۱- از نظر اطلاعاتی: شخص از هرگونه رابطه و اطلاع از جهان خارج محروم می‌شود. این امر اجازه می‌دهد از انواع شانتاژ، چه از نظر خانوادگی، دوستان و چه وقایع سیاسی استفاده شود.

۲- از نظر حواسی: این نوع انزوا که شدیدترین نوع آن است، شخص را از هرگونه عوامل تاثیر بخش خارجی چون نور، صدا و تماس محسوس و ساخته و باعث اختلال عصبی می‌گردد، امری که از کنترل اراده خارج می‌شود. عواقب آن انواع اختلالات عصبی همچون وحشت زدگی، اختلال روانی و غیره است."

تحت عنوان وسایل دارویی آمده است:

" سوء استفاده از بعضی داروها، بخصوص از انواع داروهای نورولپتیک Neuroléptique با عملکرد کوتاه مدت مانند درولپتان Droleptan

در نمایش سومی که بعنوان زمینه سازی برای سرکوب حزب توده، ایران ترتیب داده‌اند نشان دادن فیلم باصطلاح " اعترافات " قربانیان این توطئه سوم در " استودیو ایوین - تنها و تنها " است که جلادان برای پیسبرد این جنایت بدان دل بسته‌اند. اما اینان فراموش کرده‌اند که منطبق ماکیاولی " هدف وسیله را توجیه می‌کند " هیچگاه راه بجایی نمی‌برد. ضرب المثل معروفی است که می‌گوید " دروغ پاهای کوتاهی دارد " اینک نیز هر لحظه عیان تر میگردد که هیچکس فریب این شیوه‌های ضد مردمی را نخواهد خورد، هر چند که در ظاهر امر، این صحنه سازی جنایتکارانه غیر منتظره و " قانع کننده " بنماید. با توجه به شخصیت بزرگ علمی، سیاسی و اجتماعاتی قربانیان توطئه که هر یک سالیان دراز از مبارزات خستگی ناپذیر طریقه ارتجاع و امپریالیسم را پشت سر گذاشته‌اند و امحانات سخت را از سرگذرانده و از عقیده خود دست برنداشته‌اند، همه مردم ایران و افکار عمومی جهان بمحض شنیدن خبر، دربارهٔ چگونگی دریافت این باصطلاح " اعتراف - فات " ابراز تردید کردند.

در روزهای گذشته، نظر به اهمیت بین‌المللی تحولات جاری کشورمان، محافل بسیاری در جهان به امر سرکوب حزب توده، ایران توجه خاص مبذول کرده‌اند. ناظران سیاسی در سراسر جهان صحت باصطلاح " اعترافات " بنمایند درآمده در تلویزیون ایران را نفی می‌کنند و معتقدند که این، نمایش از پیش تنظیم شده‌ای است برای زمینه سازی بمنظور پیسبرد جنایتی که ظاهراً زمامداران امور در ایران آنرا دارای " فواید سیاسی " می‌بینند. موج اعتراض وسیع و گسترده محافل اجتماعی و افکار عمومی جهان باین جنایت بزرگ که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب ایران است تا آخرین لحظات نگارش، این سطور همچنان ادامه داشت.

اما امر دیگری که در این رابطه حائز اهمیت است، عمق ابتدال و انحطاط فرهنگی نهاد های جمهوری است که با این عمل، دستاورد خود را به شیوه‌های ضد مردمی سیا و موساد آلوده کند و یک لحظه نیز باین نمی‌اندیشد که بشریت از جمعی ابله و نادان تشکیل نشده است. آنها که با بکار بردن " جدید ترین شیوه‌های شکنجه جسمی و روانی آزمایش شده در " لابراتوار " های سیا و موساد می‌پندارند که کسی هم هست که فریب این نیرنگ را بخورد، خود در پنداری بس ابلهانه پسر می‌برند. از روزی که تلویزیون ایران صحنه‌های تکان دهنده اظهارات پسرهای بی‌رق، شکنجه شده و درهم سگسته قربانیان این توطئه را نشان

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می‌گردد

بقیه از صفحه ۶ باز می‌گردد

می‌خواهید بگوئید " حزب توده را سرکوب کردیم " ؟ فرضاً که خودتان از این " پیروزی " واهی سرمست بمانید، گمان می‌کنید مردم دیگر به شما اعتماد خواهند کرد؟ شما که خود قانون اساسی را پاره کرده‌اید - سنگ را بسته و سگ را رها کرده‌اید، می‌خواهید هم پیمانان راستگرایتان " ملاحظه مردم " را بکنند؟ تردیدی نیست که آنان چه سر خود شما چنان بلایی خواهند آورد که سر بلند نکنید.

بخود آئید! سمت حرکت بسرعت تغییر یافته است. خط عوض شده است. جمهوری راه رفته را بسرعت باز می‌گردد. تاریخ پسر شما نخواهد بخشید.

نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک علیه زندانیان توده‌ای به خاک سپرده شود

است. مصاحبه‌گر نامرئی، نا‌هی تک مضرایی میزد و گاه مستقیماً دستور میداد که حالا درباره فلان مطلب هم بنویس و قربانی بقیه متن را میخواند. تنها از لحن صدای رنج کشیده و بیمارگونه و چهره‌های مسخ شده، قربانیان و دروغهایی که بنا به خواست شکنجه‌گران یک‌درن می‌گفتند، میشد به عقب شرم آور این بازی شیف حیوانی و ضد انسانی بی‌برد.

اینک تردیدی نیست که خطر مرگ فوری جان این رفقا را تهدید می‌کند. شکنجه‌گران خواهند کوشید قربانیان خود را برای همیشه خاموش کنند تا پس از پایان یافتن دوران تأثیر

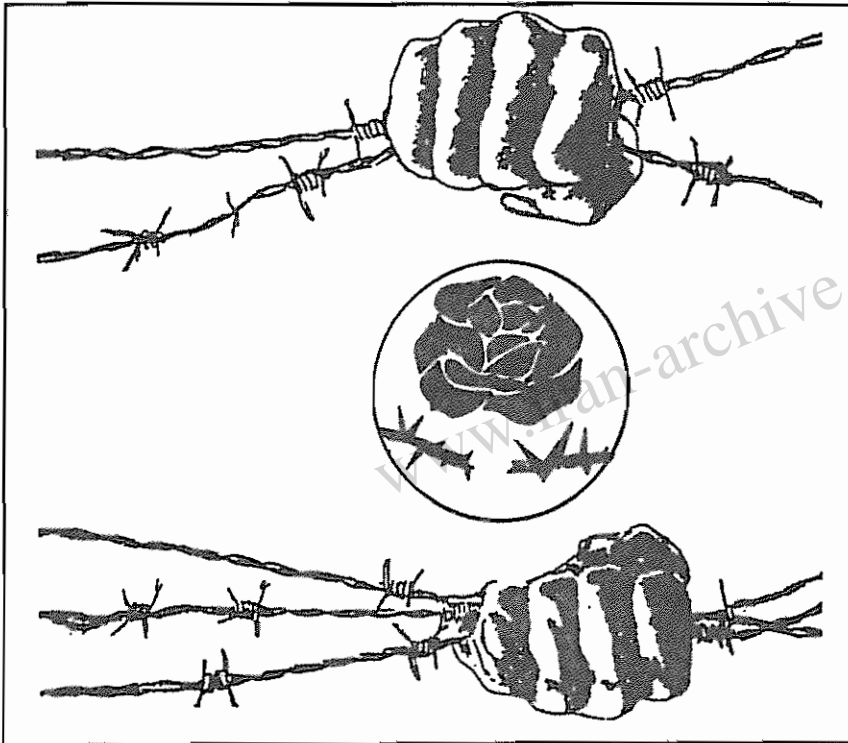
خود پای بند نماند و تنها آن چیز هائیرا تترار کند که شکنجه‌گر از او میخواهد؟

ما از تمام هموطنانی که امکان دارند خواهش می‌کنیم بار دیگر و با دقت نوار باصطلاح مصاحبه با رفیق کیانوزی و آقای محمود اعتماد-زاده را گوش کنند. ما میدانیم که برای یک انسان معمولی اعم از مسلمان و غیر مسلمان، توده‌ای و غیر توده‌ای دشوار است شاهد و ناظر جنایت نسبت به هموعان خود باشد. ولی اینکار برای پی بردن به میزان انحطاط اخلاقی و انسانی شکنجه‌گر زندان اوین لازم بنظر میرسد. این برنامه‌ها برخلاف آنچه که ادعا میشود

اینروزها شنودگان و بینندگان صد اوسیمای جمهوری اسلامی ایران با بهت و حیرت در دنگی شاهد صحنه سازهایی دلخراشی شده‌اند که برای هر انسان شرافتمندی مایه شرمساری و تنفر است. انسان‌های میهن پرست و انترنا-سیونالیستی را که با وسایل مدرن شکنجه‌های جسمی و روحی رسیده از آمریکا، انگلستان و اسرائیل مسخ کرده‌اند، گویا برای مصاحبه تلویزیونی به استودیو می‌آورند تا "حقیقی" راکه طی هفتاد سال عمر قادر به درک آنها نبوده‌اند ولی بر اثر چند ماه گذران در شکنجه‌گاه‌های اوین به آنها پی برده‌اند، برای بینندگان و شنودگان بازگو کنند. شکنجه‌گاه‌های اوین در دوران حکومت شاه موافق طرح‌های رسیده از سی-آی-ای، اینتلیجنت سرویس و موساد برای ساواک شاه ساخته شد و اینک مورد استفاده دادستان‌های انقلاب و حاکم شیع قرار گرفته است. خدمه آنها هم اکثر همان ساواکی‌های سابق هستند. بخش‌هایی از ساواک که شاه برای مبارزه علیه حزب توده ایران بوجود آورده بود اینک تقریباً دست نخورده در خدمت گردانندگان تازه زندان اوین درآمده است و اینها آخرین تجربیات مربوط به شکنجه و اعتراف‌گیری و ابزارو داروهای مخصوص به آنرا توسط اخلال‌فروست‌ست راست شاه که همچنین به خدمت جمهوری اسلامی درآمده، از سی-آی-ای، اینتلیجنت سرویس و موساد دریافت می‌کنند و به کار میگیرند.

مردم از تجارب شخصی خود در زندگانی خوب میدانند که برخلاف نوجوانان بی تجربه، مردان نزدیک به هفتاد ساله‌ای که عمری را با اعتقادات معین گذرانده‌اند و چه بسا در معرض آزمایش‌های سخت قرار گرفته و از عقاید خود دست نکشیده‌اند، مضن نیست که پس از برخورد "محترمانه" با گردانندگان شکنجه‌گاه‌های اوین ناگهان به "حقیقی" بی‌بیرند و برزندگی گذشته خود خط بطلان بکشند. مگر اینکه با تزییب و حشمتانکی از "منطق" مجموعه این آقایان، از فحشو لگد و مشت و سیلی گرفته تا شلاق و منگنه و گازانبر و درفش و سوزن امانت مایعات داغ و سوزاننده، شکنجه و تجاوز به ناموس عزیزانشان در جلوی چشمان آنان و بالاخره استفاده از مدرنترین وسایل شکنجه و "اعتراف" گیری کشورهای امپریالیستی، برپایه استفاده از داروها و مواد شیمیایی و شوک الکتریکی و غیره روبرو شده باشند که میتوانند دستگاه عصبی یک انسان را چنان مختل کند که با "لبان خندان" و قیافه بظاهر تند رست و آراسته، تمام آن چیزهایی که شکنجه‌گر میخواهد تکرار نماید.

واقعا هم چطور باور کردنی است که حتی پیشتر از کسانیکه مجموعاً چند صد سال در شکنجه‌گاه‌های ساواک شاه اسیر بوده‌اند به عقاید



شکنجه‌ها و داروهای خوراند متده‌تر تریکند و اعمال دیگری که هنوز از آنها اطلاع نداریم، نتوانند حقایق وحشتناکی مربوط به این "اعترافات" را در دسترس جهانیان بگذارند.

باید با تمام نیرو برای دفاع از جان زندانیان توده‌ای بپاخواست تا شکنجه‌گران نتوانند راز مسخ انسانهای شریف و میهن پرست را به‌گور بپارند. باید خواست که دکترهای متخصص خارجی امانت یابند شکنجه‌شدگان را دقیقاً معاینه کنند و نوع شکنجه و داروهای بکار برده شده و مآخذ آنها را تعیین نمایند.

ساواک‌های قدیم و عمال تازه سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی نظیر حجتیه‌ها که با نقاب "اسلامی" به جنگ مردم ایران آمده‌اند باید بدانند که خیلی زود تر از آنچه که تصورش را کرده‌اند رسوا خواهند شد. این "پیروزی" سرآغاز بازرسدن جسم مردمان زحمتکش و شرافتمند ایران برای شناختن دشمنان واقعی خود خواهد بود.

نه مصاحبه است، نه بصورت زنده بخش میشود و نه مبتکر بخش آنها صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. این "مصاحبه" ها را با تدارک بسیار طولانی و حساب شده قبلی در "استودیو اوین" تهیه کرده‌اند. برنامه ریزان قبلا وظایف را بطور دقیق میان قربانیان خود تقسیم کرده‌اند و محص کرده‌اند هر کس باید در مورد چه مسئله‌ای و در چه حدودی صحبت کند تا مسائل "امنیتی" رعایت شده باشد.

در متنی که بدست نخستین قربانی، آقای اعتماد زاده، داده بود ند او خود می‌گوید که من درباره تاریخ جنبش چپ در ایران صحبت خواهم کرد و وقایع مربوط به سالهای پس از انقلاب را دیگران خواهند گفت. البته اگر واقعا صحبت از "مصاحبه" بود نخستین قربانی نمی‌توانست پیش بینی کند که از دومین قربانی چه خواهند پرسید و او چه پاسخی خواهد داد. اینرا کسی میتوانسته بداند که متن هر دو مصاحبه را تهیه کرده و به‌هنگام ضبط آنها را کنترل می‌کرده

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

سده هاند در خطر است. در ایران اینک زمینه برای صدور احکام اعدام در مورد این عده آماده می شود.

این روزنامه ضمن اشاره به نمایش شوم به اصطلاح "اقرار" قربانیان این توطئه، تصریح کرده است که از تمامی شواهد چنین برمی آید که این "اعترافات" تحت فشار شدید جسمی و روحی انجام گرفته است. "عصر ما" با اشاره به موج جدید دستگیری اعضای حزب توده ایران از خوانندگان خود خواسته است تا با مراجعه به سفارت جمهوری اسلامی ایران، اعتراض خود را نسبت به سرکوب حزب توده ایران اعلام دارند. همچنین کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان فدرال آمادگی خود را برای اعزام هیأتی ناظر برای بررسی وضع زندانیان توده ای به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته است، اما پیشنهاد اعزام این هیأت از طرف سفارت ایران رد شده است.

در تاریخ چهارشنبه چهارم ماه مه نیوز، ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال در صفحه اول خود بیانیه ۶۹ حزب کمونیست و کارگری را رد فاع از حزب توده ایران بچاپ رسانده است. در شماره پنجمین ماه مه این روزنامه نیز خبر ادامه زمینه سازی برای اعدام اعضای حزب توده ایران درج شده است.

در بیانیه اعتراضی حزب کمونیست کارگری سوئد در ارتباط با سرکوب حزب توده ایران آمده است:

" تلاش جهت در هم شکستن جنبش واقعا میهن پرستانه و مترقی ایران یعنی حزب توده ایران با تمام روش های خشن ادامه دارد. اعضای حزب وسیعا دستگیر می شوند. آنها در بازداشتگاه های مخفی نگهداری می شوند. بر اثر شکنجه های روانی و جسمی و ممانعت از مداوا حال عده زیادی بسیار وخیم است.

بیانیه می افزاید:

" با چنین روش های بربرمنشانه رژیم سعی در گرفتن باصطلاح "اعتراف" به فعالیت "ضد ملی و ضد میهنی" می کند. این روش ها بوضوح از "سیا" الهام گرفته شده و از جانب مطبوعات امپریالیستی دامن زده می شود.

در ادامه آمده است:

" این تجاوز به حقوق قانونی و ارزش های انسانی باید شدیداً محکوم گردد. حزب کارگری کمونیست از تمام نیروهای مترقی در کشور مان می خواهد که به رفتاری که علیه اعضای حزب توده ایران می شود اعتراض نموده و می خواهد که اجازه داده شود تا یک هیئت بین المللی متشکل از پزشکان و حقوقدانان از بازداشت شدگان بازدید نموده و اتهام وارد رژیم را بررسی نمایند.

خود سرانه بازداشت و شکنجه شده و طی ماه های طولانی از محیط خارج منزوی نگه داشته شده اند. در این نامه همچنین با اشاره به نمایش فیلم باصطلاح "اقرار" قربانیان توطئه علیه حزب توده ایران آمده است:

" میلیون ها بیننده فرانسوی شاهد "اعترافات" می بودند که آشکارا تحت تأثیر فشارهای جسمی و روحی بدست آمده اند. بوضوح دیده می شد که آنها تحت تأثیر مقادیر زیادی دارو قرار داشته اند تا تضعیف شوند، شخصیت آنها خرد شود و اعترافات به باصطلاح توطئه از آنها گرفته شود.

این فدراسیون کارگری ادامه می دهد:

" زحمتکشان بخش بهداشتی فرانسه انزجار خود را از اینگونه شیوه ها اعلام می کنند. شیوه هایی که مخالف حقوق بشر بوده و از نظر جسمی و روحی به این افراد لطمه وارد می آورد. فدراسیون ما که به همراه "ثروت" (کنفدرال-سیون عمومی کارگران فرانسه) قاطعانه از جهت گیری های ضد امپریالیستی انقلاب ایران و مبارزه آن در راه استقلال کشور پشتیبانی نموده است، این اعمال را شدیداً محکوم می نماید. و اضافه می کند:

" ما از شما می خواهیم که صریحاً دولت خود را در جریان بگذارید تا هیچ یک از این میهن پرستان بقتل نرسند و یک هیأت مرکب از پزشکان و حقوقدانان بشر دوست بتوانند هرچه زودتر با آنها ملاقات کرده و شرایط آنها در زندان را مورد بررسی قرار دهند.

در پایان نامه می افزاید:

" ما در آینده وسیعا زحمتکشان بخش، بهداشت و تأمین اجتماعی فرانسه را در جریان پیام های این نامه قرار داده و از آنها می خواهیم که با دقت تحول اوضاع را دنبال کنند.

استفاده از شیوه های وحشتناک گرفتن اعتراض

از طریق شکنجه شدید جسمی و روحی، امری است که در آمریکا، آمریکا لاتین، آفریقای جنوبی و اسرائیل مورد "آزمایش" قرار گرفته است. ما تحت فشار وسیع افکار عمومی، این شیوه های ضد بشری در کمتر نقطه جهان مورد استفاده قرار می گیرد. محافل پزشکی دنیا با انجام مطالعاتی بر روی فیلم باصطلاح "اقرار" رهبران حزب توده ایران، استفاده از شکنجه های شدید و مقادیر زیادی دارو و شیوه های روانی را تأیید کرده اند.

در تاریخ سه شنبه سوم ماه مه، روزنامه "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال در صفحه اول خود تحت عنوان "جان رهبران حزب توده ایران را نجات دهید" می نویسد:

"جان اعضای حزب توده ایران که با اتهام واهی جاسوسی برای اتحاد شوروی بازداشت

بقیه از صفحه ۱

میزور را درج کرده اند.

در فرانسه اتحادیه سندیکایی "ثروت" اعلام کرد:

"جان تعداد زیادی از افراد دمکرات ایرانی، از جمله رهبران حزب توده ایران در ساعات آینده در خطر است.

این اتحادیه در بیانیه خود ادامه می دهد:

"در چندین ماه گذشته، این وطن پرستان در زندان بوسیله "ژنرال فردوست، عضو قدیمی پلیس سیاسی شاه، ساواک شوم، مورد بازجویی قرار گرفته اند. زندگی این زندانیان در خطر است.

اتحادیه "ثروت" با دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس پارلمان اروپا و بیرو O.I.T. تماس گرفته است تا با استفاده از موقعیت بین المللی خود کوشش کنند جان این میهن پرستان زندانی را نجات دهند. بگزارش روزنامه اومانیت، این اتحادیه همچنین از مقامات ایرانی خواسته است حقوق بشر را رعایت کنند.

در اعتراض به اقدامات اخیر علیه حزب توده ایران، سازمان جوانان حزب کمونیست فرانسه تلگرافی به سفارت ایران در پاریس فرستاده، نسبت به این اقدامات ابراز نگرانی کرد.

در فرانسه همچنین "کمیته حقوقدانان دمکرات" کوششهایی را بمنظور نجات زندانیان توده ای آغاز کرده است. این کمیته آمادگی خود را برای فرستادن نمایندگانی جهت نظارت بر وضع زندانیان توده ای به نمایندگی ایران در این کشور اعلام نموده و یک کمیسیون متشکل از حقوقدانان را برای دفاع از این زندانیان تشکیل داده است.

مطبوعات فرانسه با درج تمام و یا قسمتهایی از اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعتراض به نمایش باصطلاح "اقرار" قربانیان این توطئه شوم، کلیه این "اعترافات" را تحت تأثیر شکنجه های شدید دانستند. همچنین تلویزیون فرانسه با ذکر اینکه نمایندگانی از حزب توده ایران در فرانسه اعلام کرده است زندانیان توده ای زیر شکنجه های وحشتناک روحی و جسمی قرار داشته اند، چنین امری را قابل قبول و یا توجه به فیلم این باصطلاح "اعترافات" مشهود خواند:

فدراسیون سندیکایی زحمتکشان بهداشت و تأمین اجتماعی فرانسه در نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس نوشته است:

"ما اعتراض خود را نسبت به گسترش فشار و اختناق در کشور شما اعلام می داریم. دهها نفر از میهن پرستان و دمکراتهای ایرانی

رفیق تقی کی منش:

مبارزی استوار و وفادار به آرمانهای میهنی و انقلابی



رفیق تقی کی منش (وسط) در گفتگوی دوستانه با رفیق هرمین گوتیه، معاون صدر حزب کمونیست آلمان (چپ) و رفیق مارتابوشمن عضو هیئت ریزه حزب کمونیست آلمان (راست)

تحصیل به کار نیز بپردازد. دوران ابتدائی و متوسطه را در شهرستان رشت گذراند و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق کی منش در شهریور ۱۳۲۳ به دانشکده افسری رفت و شش ماه بعد از دانشکده افسری استعفا کرد و در دانشکده علوم در رشته فیزیک به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۶ مجدداً به دانشکده افسری رفت و در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت پرداخت.

رفیق کی منش در سال ۱۳۲۸ از دانشکده افسری فارغ التحصیل شد، در سال ۱۳۳۳، زمانیکه سازمان نظامی حزب توده ایران لو رفت، رفیق کی منش نیز دستگیر شد و در دادگاه تجدید نظر نظامی به اعدام محکوم گردید، ولی در اثر فشار افکار عمومی مردم ایران و جهان محکومیت او و ۴۷ نفر از یارانش به زندان تبدیل گردید. رفیق کی منش بخاطر وفاداری به آرمان انقلابی و میهنی خود و استواری در دفاع از حزب توده ایران، در حدود ۲۵ سال در زندانهای قصر تهران (۱۳ سال)، در زندان پرازان (۶ سال و چند ماه در دونویت) و بقیه مدت را، که ۶ سال بود، در زندان عادل آباد شیراز در شرایط سخت و دشوار گذراند.

وی در آستانه انقلاب، هنگام اوج جنبش انقلابی مردم ایران در سوم آبان سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد گردید و بلافاصله بعد از آزادی به فعالیت خود در حزب توده ایران ادامه داد.

بازداشت او و دیگر رهبران حزب توده ایران با اتهام زنی و پاپوشه دوزی علیه آنان از جمله اقدامات ضد انسانی، ضد اخلاقی و ضد قانونی است.

حزب توده ایران همچنان علیه امپریالیسم و اعمال داخلی آن می‌رزمند هرچند که داشتن این عقاید "جرم" تلقی شود.

بست و خونخوار در افتاد. رفیق کی منش را بازداشت کردند و بردند. اما آیا میتوان افتتاب را با دستمالی پوشاند؟ آیا میتوان روشنائی روز را با مشت کل ولای از میان برداشت؟ آیا ز خریداران دلار میتوانند آزاد مردان را از پای در آورند؟

نه، هرگز نه. آنها در برابر ایستادگی و مردانگی چنین آزاد مردانی زبون شدند. زندگی نامه رفیق کی منش خود گویای این حقایق است.

رفیق تقی کی منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در یکی از خانوادها های فقیر در محله سرخ بنده رشت در سال ۱۳۰۲ متولد شد. وی مادر خود را در ۲ سالگی و پدرش را در ۱۳ سالگی از دست داد و به علت فقر مادی در ۱۰ سالگی به مدرسه رفت و از سن ۷ سالگی به پادوشی در مغازه سلعانی، نانوائی و کفاشی پرداخت و مجبور بود بخاطر جبران مخارج خود و کمک به خانواده اش در جریسان

رفیق کی منش نیز یکی دیگر از رفقای رهبری حزب توده ایران است که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بسر می‌برد. او یکی از رفقای سازمان نظامی حزب توده ایران بود که بیش از ۴۰ سال علیه امپریالیسم و برای نجات زحمتکشان ایران می‌رزد.

ایمان و استواری یولادین وی به معتقدات و مشی حزبش همانند دیگر همزمانش هم نظیر و افتخار آفرین است. او را نیز با همان اتهام زنی‌های زشت و بی‌پایه دستگیر کرده‌اند. به اتهام واهی "جاسوسی"!!!

اما کیست که به میهن پرستی رفقای که سالیان درازی از عمر خویش را در زندان و حبس و شکنجه و تبعید بسر بردند شک داشتند؟

رفیق تقی کی منش یکی دیگر از جانبازانی است که برای خدمت به مردم، از هیچ رنج و هراسی نهراسید و از هیچ گذشت و فداکاری روگردان نبود و با سینه گشاده با دشمنی

قهرمان پیمرگ

شعر رسیده از سوئد

حزب من!
تو جاودانی
تو ضرورت زمانی

حزب من!
بوجود آمدنت به اراده کسان نبود
که ناکسان اراده برانداختت را کرده‌اند

وجودت ضرورت زمان بود
وجودت ضرورت زمان است

وجودت ضرورت زمان خواهد بود

شیخون راستگرایان
نه نخستین است و نه واپسین

بسا دشمنان در تاریخ چهل و چند ساله تو
با تمام توان دوزخی خود کوشیدند

زورمندان با زور خود

زرمندان با زر خود

جانباان با چنانیت خود

جلادان با دشنه خود

خائنان با خیانت خود

و زندانبانان بازندان‌های قرون وسطائی خود

کوشیدند جای تو را در پهنه نبرد کار و سرمایه
خالی گذارند

غافل از آنکه حزب من

ضرورت را کجا توان با زور و زر از میان برد؟
امروز نیز

راستگرا ن
با این شاه کار"

تنها تیشه بر ریشه خویش میزنند
چسرا که

صخره پایداری و پایداری تو را

حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!
که

نامت با کله پراچ توده مزین است
و تار و پود وجودت سرشار از عشق به توده‌هاست
هیچ چیز کارا نخواهد بود

و درفش کابوسانی

درفش پیکار طبقه کارگر ایران را

جائی برای گلگون تر شدن نیست

این درفش سیراب خون عزیزان خویش است.

و از این پس

خون این قافله شهیدان

بسان سیلی خروشان

کاخ ستم سرمایه‌داران و زمین‌داران

و امپریالیسم و ارتجاع و آبادی‌شرا

در خود غرقه خواهد کرد.

آری

حزب من

تو جاودانی

تو ضرورت زمانی

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می‌گردد

بقیه از صفحه ۱

بصورت اظهارات پیکرهای درهم شدسته و شکنجه شده در اتاقهای خالی و دهشتناک و بازدا - شتگاههای مخفی به نمایش گذاشتند و از زبان این سایه‌های بی‌رنگ، جحلیات ساواک و سیا را بخورد مردم دادند. شیوه‌های شکنجه جسمی و روانی را که در "آزمایشگاههای" سیا و موساد امتحان شده‌اند، بنابر بسته‌اند تا در منشا نترسین توطئه علیه انقلاب و حزب توده، ایران را به اجرا بگذارند. هفته‌ها و ماه‌ها این افراد میهندوست و بیگناه را در فراموشخانه‌ها شکنجه دادند تا بتوانند از زیانشان این اصطلاح "اعترافات" را بنمایش بگذارند. و اینک، تا با اصطلاح "منطقه" اعلام کردن حزب توده، ایران، این توطئه باوج خود رسیده است.

مارش می‌گوید حوادث و شخصیت‌های تاریخی دویار ظهور می‌کنند: یک بار بصورت تراژدی و بار دوم بصورت کمدی مسخره.

بار اول، منوچهر اقبال، نوکر دربار پهلوی و خد متکثر سرسپرده امپریالیسم، در سال ۱۳۲۷ حزب توده، ایران را "غیر قانونی" اعلام کرد. این بار، این عمل توسط ارگانهای جمهوری انجام می‌گیرد. اما در هر دو بار یک سناریو تکرار می‌شود: صحنه سازی‌های از پیش ساخته جو سازی و اوپانی‌گری، و سپس یک اعلامیه مبنی بر "انحلال" حزب طبقه کارگر، حزب زحمتکشان. هدف در هر حال یکی است: خفیه کردن هرگونه صدای ترقیخواهی در کشور، منتهی این بار عوامل "سیا" با استفاده از تجربیات ضد انقلابی خویش با برنامه منسجم تری عمل کردند و قبلاً سایر عناصر مردمی و نیروهای ضد-امپریالیست برجست "توده‌های" زده‌اند تا بعداً بتوانند آنها را هم خفه کنند.

سراسیمه طی شده، از فدا کردن حقیقت بیای مصلحت‌گفته بیبانه، از ادعای دستگیری چند "جاسوس" و احترام بقانونیت از حزب، از نادیده گرفتن هشدار حزب توده، ایران در رابطه با این عمل فرصت طلبانه، از درس نگرفتن از تاریخ که در آن دروغ و فریب هیچ گاه فرجام نیکی نداشته است، تا بکار گرفتن شکنجه و بازهم نادیده گرفتن ابراز نگرانی حزب توده، ایران که "زندانیان توده‌های" این مدافعین راستین و جانباز انقلاب را در زندانها شکنجه می‌دهند" و بالاخره اجرای آخرین پرده، این نمایش بکارگردانی "سیا"، اینک ما را بیاد درس‌های بزرگ تاریخ می‌اندازد.

فضا، همان فضایی است که سرکوب ۲۸ مرداد در آن انجام گرفت. اعلامیه‌های ارگانهای جمهوری رنگ و بوی اعلامیه‌های همان زمان را دارند. اینک بار دیگر در کشور ما دفاع از حقوق زحمتکشان رسماً "جرمی" است که مجازات آن زندان و شکنجه و اعدام است. در ۲۸ مرداد هم اوپاش و اراذل شعبان بی‌مخ به خیابانها ریختند تا نوع آمریکایی "قیام ملی" را به نمایش بگذارند. آنروزها هم حزب طبقه کارگر آماج

اصلی حملات بود. اما محمد رضا و جلادانش از این غافل بودند که خلق، روزی بپا خواهد خواست و آنها را به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد. سرنگران امروز نیز از این درس بزرگ تاریخ بی‌خبرند. آنها بی‌خبرند که حزب توده ایران قانونیت و مشروعیت خود را از میان چهل سال رنج و خون، چهل سال پیکار با امپریالیسم و ارتجاع و هزاران سال زندان و شکنجه مهاجرت، از میان صدها شهید و زندانی و تبعیدی بدست آورده است. با یک اعلامیه گدایی نمی‌توان این قانونیت را نقض کرد. نه نوکران دربار امپریالیسم توانستند حزب توده، ایران را نابود کنند و نه کارکاتوره‌های مسخره امروزی آنها خواهند توانست. مردم ایران و تاریخ قضاوت خواهند کرد.

اینک، با تکرار نمایش "شاهانه" ممنوعیت حزب، برآستی جای شک باقی نمی‌ماند که جمهوری همان راهی را در پیش گرفته است که ساده‌اتها و نمیری‌ها رفتند بهمان سرعتی که راه سرکوب پیگیرترین مدافعان انقلاب را طی می‌کنند دستاورد های انقلاب را بر باد می‌دهند.

عوامل ساواک و سیا و "حجتیه"، راست-گرایان افراطی، روحانیون محافظه کار و قشریون همه دست به دست هم داده‌اند و نسخه‌ای را که "سیا" با جدیدترین شیوه‌های شکنجه و "دارو"های خود پیچیده، با زور و قوی از "شریعت" بخورد مردم می‌دهند.

علیرغم هشدار حزب توده، ایران که "یک حکومت مردمی نمی‌تواند با شیوه‌های غیر مردمی حکومت کند" هدف را تابع وسیله کرد و دست‌شاه و مغز شاه را بکار گرفتند تا هدفی تنگ نظرانه را دنبال کنند، و بدین ترتیب در ورطه شیوه‌های ضد مردمی حکومت فرو غلتیدند. بنابر گرفتن دست‌شاه و مغز شاه به دنبال کردن هدف شاه و در پیش گرفتن راه‌شاه انجامید. عوامل سیا و ساواک که خود پس از انقلاب، "بخدمت جمهوری درآمدند"، اینک جمهوری را به خد مت اهداف خود گرفتند.

"فوائد سیاسی" این هجوم گسترده به صفوف انقلاب برای روحانیت محافظه کار و راست-گرایان افراطی روشن است. با این اعمال به امپریالیسم آمریکا نسان می‌دهند که چیزی از شاه کم ندارند و "لیاقت" سرکوب انقلابیون را دارند. آنها بدین ترتیب سیاست خود را بطور تمام و کمال به جمهوری تحمیل و مسخ انقلاب را بمرحله نهایی خود رسانده‌اند. آنها - "اطمینان خاطر" لازم را با سرکوبی حزب زحمتکشان به بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران داده‌اند.

اما آنها نیکه "بازی خوردند" و با افتادن در دام امپریالیسم، بدین سراسیمه فرو غلتیدند، هیچ "فایده" سیاسی "از این عمل نخواهند برد. آنها طناب دار بدست خود بگردن نهادها ند. آینده آنها، چیزی

جز نابودی و یا چاکری در درگاه امپریالیسم چون نمیری‌ها و سادات‌ها نیست. تاریخ جنبش‌های ضد امپریالیستی و مردمی نشان می‌دهد که راه "آرام کردن دشمنان از طریق سرکوب متحدین" بیراهه‌های بیش نیست. یک لحظه بیاندیشید که عوامل آمریکا برای چه شما را فریب داده‌اند؟! آیا گمان می‌کنید که شما آنها را فریب یا آن حزب و گروه به تنهایی مطرح نیست. آمریکا ایران را می‌خواهد، و با هر کس هم که هدفتش استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد، ذره‌ای سرسازش ندارد.

روی سخن ما با مسلمانان مبارز و انقلابی است. آنها بی که هنوز به آرمانهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب سکوهند ایران وفا دارند. آنها کف می‌خواهند کشور ما دوباره چون لاناگاه انحصارات امپریالیستی گردد. آنها کف می‌دانند عاقبت راهی که جمهوری اکنون در پیش گرفته است مصر و سودان و پاکستان است. حزب توده، ایران غم خود را ندارد. حزب توده ایران ریشه در خواسته‌ها و آرزوهای مردم زحمتکش ایران دارد. اگر صد بار هم تک تک اعضا و هواداران حزب را سرکوب کنند حزب دوباره سر بلند خواهد کرد. آنچه در سراسیمه شکست افتاده است انقلاب است. بیائید - نگذاریم دستاورد های این همه خون و رشخ و مبارزه از دست رود. بیائید دست بدست هم دهیم و از انقلاب دفاع کنیم. بیائید نگذاریم به اسم "توده‌های" هر کس که از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کند سرکوب کنند.

روی سخن ما با مسئولین اداره حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز هست. شما سابقه "بازی خوردن" از عوامل امپریالیسم دارید. شما خود بارها اعتراف کرده‌اید که در موارد مختلف فریب آمریکا و عواملش را خورد‌اید. نذارید در تاریخ تا اید از شما به بدی یاد کنند. شما نیکه در برابر تاریخ و مردم مسئول-باید. به پیرامون خود نگاه کنید ببینید چه جنایتی در حق انقلاب انجام می‌گیرد. آیا این است آن جمهوری که ب مردم وعده دادید؟ چه چیز انقلاب را می‌خواهید صادر کنید؟ جدیدترین شیوه‌های شکنجه را؟! دروغ و فریب را؟! شما چگونه می‌خواهید از این پس نزد نیروهای ضد امپریالیست جهان سر بلند کنید؟ آیا با این اعمال، آنها شما را در جرگه خود خواهند پذیرفت؟ و یا اینکه همانطور که اکنون می‌بینیم جای شما در میان سیاه‌ترین و ارتجاعی‌ترین دیکتاتوری‌های وابسته به آمریکا خواهد بود؟ چگونه می‌خواهید "امید مستضعفان جهان باشید"؟ با سرکوب هر کس که از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کند؟ به مردم خود مان چه می‌خواهید بگوئید؟ به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان که از شما کار، زمین نان و مسکن می‌خواهند بقیه در صفحه ۲

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

اهانت آمیز نسبت به هر آنچه مردمی و اخلاقی است می شمارد و همانطور که در بیانیه اول ماه مه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته شده است از مقامات جمهوری اسلامی ایران نمی طلبد که هر چه زودتر اجازه دهند هیأتی ناظر بینظیر بین المللی مرکب از حقوقدانان و پزشکان متخصص با متهمین از نزدیک دیدن کنند تا چگونگی دریافت این "اعترافات" برای مردم ایران و همه جهان روشن شود.

تاریخ مبارزات قهرمانانه حزب توده ایران، حزب زحمتکشان ایران، حزب شهدا، حزبی که ده هزار سال زندان بدوش میکشد را نمیتوان با شستی اراجیف که عمال بزرگ سرمایه داران و کلان زمین داران سیاست هدایت دستگاههای جاسوسی امپریالیستی سرهم بندی کرده اند و بزور شلاق و شکنجه های برون وسطائی و وسائل دیگر پد هان قربانیان جنایت خود گذاشته اند لکه دار کرد. سواوک شاه و تجربه چهل ساله دستگاههای امنیتی و جاسوسی امپریالیستی اینرا خوب میدانند و اینرو با آخرین و مدرن ترین سلاحهای جهنمی ضد انسانی خود علیه آن بیدان آدم بند.

هیچگاه و در هیچ دوران حزب توده ایران بعنوان حزبی که حافظ منافع ملی و پاسدار استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت کشور بوده است نمیتوانسته است اطلاعاتی از آن قبیل که شکنجه گران به قربانیان بی پناه خود دیکتاتور مهند، جمع آوری و در اختیار کسی،

سازمان یا دستگاهی خارجی قرار دهد. حزب توده ایران در هیچیک از مقامات مهم لشکری و کشوری نفوذی نداشته است که دسترس به اسناد و مدارکی از نوع انطائی مقامات شکنجه گر داشته باشد.

حزب توده ایران سازمان مخفی ادعائی وحشتناکی را که مقامات مربوطه مایلند بعنوان خطر جدی برای حاکمیت طبقه حاکمه ایران معرفی کنند نداشته است.

ادعای دیکته شده از طرف شکنجه گران، به قربانیان جنایت خود مبنی بر جمع آوری سلاح توسط گروههای کوچک توده های در انقلاب و حفظ و نگهداری این سلاحها برای سرنگونی رژیم دروغ مسخرهای پیش نیست، بخصوص که دستور صریح حزب برای تحویل سلاحهای موجود احتمالی به همه افراد حزبی ابلاغ شده بود و اجرا گردید.

فعالیت حزب در تمام دوران پس از انقلاب علمی و قانونی بوده است که با موفقت مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، انجام میشده است. حزب توده ایران سیاست روشنی را در رابطه با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اتحاد و انتقاد در پیش گرفته، به قانون اساسی رأی مثبت داد و از مضرترین نیروها برای اجرای آن بوده و میباشد.

حزب توده ایران نه تنها خنجر از پشت برای ضربه زدن آماده نگذرد است بلکه بارها خنجرهای در حال فرود آمدن بر پیکر

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را متوقف و خنثی کرده است. حال چگونه میتوان این ادعا را پذیرفت که حزب توده ایران خیال براندازی جمهوری اسلامی را در سر می پروراند است؟ ما معتقدیم که خود این روش پاسداری جدی از انقلاب، علت اصلی این کینه تشفی ناپذیر نسبت به حزب طبقه کارگر ایران است. حزب ما بارها و بارها اعلام کرده و باز هم اعلام میکند که روابط عادی و معمول بین المللی بین احزاب مترقی جهان را نمیتوان بنام دیگری نامید. ما با همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست و استقلال طلب در جهان همبستگی داشته و داریم. نیروهای راست، عوامل نفوذی امپریالیسم و ضد انقلاب در حاکمیت و نهاد های کشوری که مخصوصاً ۱/۵ سال اخیر موقعیت خود را مستحکم تر کرد مانند این خیمه شب بازی انحرف افکار عمومی داخل و خارج ایران را برای خزش تدریجی خود بسوی حاکمیت تام و تمام، لازم دیده و با اجرا گذاشته اند.

افسانه هدایت سیاست حزب از طرف مسکو و مداخله احزاب دیگر در امور حزب توده ایران - هیچ "افتخار" جدیدی بسرای "میتگران" آن در جمهوری اسلامی ایران و گردانندگان این خیمه شب بازی بیار نیاموده. این "افتخار" متعلق به اسلاف شکنجه گران امروزی - هیتر و موسولینی و امثال آنهاست. وجوه تشابه سیاستهای حزب ما با احزاب و سازمانهای برادر بعنای وابستگی و دنباله روی حزب نبوده و نیست. ما نمی توانیم بر اثبات یا اصطلاح استقلال خود با سیاست صلح و دوستی کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادر با کمک برادران آنها به جنبش های آزاد بیخش ملی و از جمله حمایت آنها از انقلاب میهن مسافت کنیم، تا امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن اجازه مستقل نامیدن ما را صادر کنند.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران هشتاد و یک سال قبل حزب توده ایران قویا تکرار کرده است، بار دیگر تکرار میکند، که انقلاب را خطرناک جدی تهدید میکند و "کودتای ۲۸ مرداد" دوم امپریالیسم آمریکا و عمال داخلیش در ایران - میهن ستمدیده ما هم اکنون در حال تدارک نهائی است.

هم میهنان گرامی، مردم شرافتمند جهان! آمادگی کامل شما برای دفاع از دست آوردهای انقلاب از جمله آزاد بپای سیاسی و اعتراض یک پارچه شما بهمه اقدامات غیر قانونی جمهوری اسلامی ایران، تنها میتواند میهن و مردم ما را از سقوط حتمی در ورطه استبداد قرون وسطائی و اسارت برهاند.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۲

۴ مه ۱۹۸۳

آیا سیاست داخلی و خارجی حزب جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه ۱۸

آن سرمایه داران فربه شده تجاری و حامیان مکلای محکم آنها، که یک روز در کنار انقلاب قرار داشتند و حتی علیه بنی صدر "موضعگیری رسمی" کردند و اکنون با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که یک روز به خاطر "صلحت زمان" با آن موافقت کردند، مخالفت میکنند، علیه اصلاحات بنیادی انقلابی هستند، علیه "بازرگانی خارجی ملی" رای می دهند، علیه اصلاحات ارضی انقلابی موضع گیری می کنند، مخالف آنند که دست پینه بسته دهقانان زمین خود را شخم بزنند، علیه آنند که کارگران خود قانون کار انقلابی را تنظیم کنند، آنها که سرنوشت کارگران را بدست سرمایه داران زادگان می سپارند، آنها که راه بازگشت فراریان ضد انقلابی را باز میکنند، آن اساتید حوزه که آیت الله موسوی اردبیلی را به "بحسث" باخود می کشاند و او را زیر فشار قرار می دهند تا مال این بنده خداها را "پس بگیرند، آنها که حجت الاسلام رفسنجانی را زیر فشار قرار میدهند و میگویند نباید "بحث درباره عدالت اجتماعی در نماز جمعه انجام شود"، آنها که بقول حجت الاسلام کروی "بنام اسلام از میلیاردرها دفاع میکنند"، اینها هستند آن نیروهای که همانند "بنی قریظه" پیمان شکستند و شایسته

مجازات اند.

اما ما می بینیم، که نیروهای راستگرا و حامیان آنها درست علیه کسانی دیگر شمشیر کشید هاند و "موضعگیری" علیه آنها را برطبق "صلحت زمان" سازمان می دهند، که از این اهداف انقلاب دفاع کرده اند و می کنند.

رفیق نورالدین گیانوری و یاران در بندش و حزب توده ایران، که از روز اول پشتیبانی خود را از انقلاب شکوهمند، از خط امام خمینی، از مسلمانان مبارز و اسلام انقلابی اعلام کردند و اکنون هم از آن دفاع میکنند، همچنان بر مواضع خود پایدارند و به پیمان خود وفادار! اینان مورد هجوم واقع می شوند و به زندان افکنده میشوند، نه راست گرایان ضد قانون اساسی، ضد عدالت اجتماعی ضد اسلام انقلابی.

این "جمهوری اسلامی" است، که به زندانیان این فرزندان شرافتمند و فداکار میهن انقلابی تبدیل شده است و قصد محاکمه و سرکوب ایسن "سرداران شکست ناپذیر" را دارد!

آری این "گدازه های آتشفشان" با پایمردی خود بر سر مواضع اصولی، انقلابی و علمی خویش نشان میدهند، که "فرصت طلب" نبوده و نیستند!

بایای چوبین دروغهائی که باشکنجه در دهان قربانیان خود می گذارید، به راه دور نخواهید رفت

نقی مارکسیسم در زیر شکنجه های دستگاه تفتیش عقاید "اسلامی" همانقدر ارزش دارد که نقی چرخش کره زمین توسط گالیله در زیر شکنجه های دستگاه تفتیش عقاید "مسیحی"

جمعه نهم اردیبهشت راد بیوی تهران در اخبار ساعت ۱۴ خود اطلاعاتی نیمه فارسی را که در آن گفته شده بود "پس از دستگیری تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب توده که با صراحت به جاسوسی و خیانت و توطئه براندازی اعتراف کرده اند ۰۰۰ اینک تعداد زیادی از ایادی حائن و جاسوس و مهربه های این حزب دستگیر شدند ۰ از لانه های دستگیرندگان مقدار زیادی اسلحه و مهمات، وسایل حساب و اسناد و مدارک جعلی بدست آمد ۰"

دوشنبه دوازدهم اردیبهشت فرمانده ساه پاسداران با امام خمینی دیدار کرد و گزارش مفصلی از دستگیری اعضای حزب توده ایران به او داد و در این زمینه رهنمودهایی دریافت کرد ۰ در گفتگو با خبرنگار راد بیو فرمانده سپاه پاسداران پس از اعتراف به اسنحه دو ماه پس از دستگیری (و ظاهرا پس از رسیدن دستگیر سکنجه) تازه اعترافات آغاز گردیده است ۰ گفت اینک تادریهای درجه ۱ و درجه ۲ حزب توده درباره آنها اعترافاتی شده است دستگیری میشوند ۰ در پایان او از اعضای " این حزب منحل و کتیف " خواست که هر جا هستند خودسان را به مراکز سپاه پاسداران معرفی کنند ۰"

بازد است مدندان را زیر سکنجه و امیدارند " اعتراف " کنند که ما جاسوسیم، اسلحه دستیم، خیانت کردیم، ریاکاریم، اسرار ارتش را به بیگانگان دادیم، براندازی دستماییم والی آخر ۰ و آنگاه برخلاف آنچه که همه مردم ایران ساهد بودند و فداکاریهای اعضای حزب را برای حفظ دستاورد های انقلاب و دفاع از وطن بچشم دیده اند، تمام اعضای حزب را متهم به اتهامات فوق می کنند و بدون استننا همه را به زندان دعوت می نمایند!

آری، سانیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مسخره می کنند و آنرا غیر سرعی میدانند سانیکه با خیانت به توده های زحمتکش خلق و خدمت به دنان سرمایه داران و بزرگ مالکان انقلاب را عملا برانداخته اند حزب توده ایران را متهم به توطئه براندازی می کنند!

بیسری و ریاکاری قسریها و راستگرایان دیگر تمام مرزهای اخلاقی و انسانی را بست سر گذاشته است ۰ کمر محرومان و " کوخ نسینان " دارد زیر بار بی عدالتی اجتماعی خرد میسود ولی از صبح تا غروب وعده های توخالی تحویل میگیرند ۰ تمام قوانین بنیادی و منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مانند ملی کردن بازرگانی خارجی، تقسیم اراضی مزروعی و دیگر قوانین را که احساس کمترین دفاع از حقوق زحمتشان در آنها ساهده کرده اند متوقف

ساحته و در عرض به غارتگران اجتماعی در همه جهات پال و بر می دهند و تنها از آنان تقاضا می کنند که از احسان به محرومان و پرداخت خمس و زکات مال دزدی برای دستگیری از قسرا در رخ نگرمانند!

نارگران و دهقانان و همه زحمتشان شهری و روستائی نه به آموزش و درمان دسترسی دارند و نه به مسکن با ثرایه مناسب و بهداشتی ۰ قانون ناری مترقی که از آنان حمایت کند وجود ندارد ۰ بیابانند و بیابانگری بیابانند دستمزدسان حقیرانه است و قادر به مقابله با تورم و گرانی نرسن نیستند ۰ اما هر روز، کسانیکه مانند معاویه تنها قرآن بر سر نیزه کرده اند با مقاصد کریمه خود را بیوسانند یک تصمیم ضد ناکرگی و ضد خلقی تحویل سان میدهند که با آیاتی از قرآن تزئین شده و یک بسنه تعالسی چاسنی آن کرده است تا جای شنی دراصلت " اسلامی " آنها باقی نماند ۰

از کارگران و دهقانان مرتب " سها دت و ایتار " و دادن جان در جبهه و فداکاری و کرسنی کسیدن در پست جبهه را می طلبند، اما در عوض هیچ چیز به آنان ندادند و نمیخواهند بدهند زیرا گویا در فقه اسلامی مطلبی در مورد کمک به زحمتشان نیافته اند ۰

اما قسره های مرفه که از راههای " سرعی " مجاز و سنتی چنان غارت می کنند و پس از دزدی چند ملیونی بچنوان نازشست توسط حزب جمهوری اسلامی به مجلس راه می یابند، هم ساهانه زندگی می کنند و هم بهنگام خروج از کشور از می گیرند و با خود جواهر میبرند و یک مو هم از سر خود و فرزندان شان در جبهه و پست جبهه نمی افتد ۰ آیا مفهوم کمک به " محرومان " و دفاع از " کسوخ نسینان " همین است که اکتسون ساهده می کنیم؟ آیا امام اول علی ابن ابیطالب و دیگر " اسطوره " های که مدعی پیروی از آنان هستید این چنین عمل می کرده اند ۰

از همه زشت تر اینکه آقایان تلاس می کنند قانون شنی و ظلم و جور نسبت به خلق را بنام " امت ایثار گرو سهد برور " انجام دهند، اما بی جهت مردم ما را به این ناجوانمردیها متهم می کنند ۰ این دروغها و زذالت ها با خوبی زحمتشان نمی خواند ۰ دزدی و غارتگری و عهد سکنی از محتصات طبقات استعمارگر و غارتگر در همه زمانها و در همه جوامع طبقاتی است، چه در لباس شاهنشاهی باسند چه در نسوت اسلام آمریکایی ۰ مردمان زحمتکش دروغگو و عهد سکن نیستند ۰ کشف اسلحه و مهمات در لانه نه در خانه توده هایها و اتهام توطئه برای براندازی از آن دروغهای ساختار و ناسیانه است ۰ مگر چند ماه از دستگیری غیر قانونی و تحریک

آمیز رهبران حزب نگذشته است؟ مگر در این مدت کوچکترین کامی در راه مبارزه غیر سیاسی از توده هایها دیده اید؟ این دروغ های نفرت انگیز را برای چه اختراع می کنید؟ آیا جز اینست که دارای منطقی ضعیف و ضد مردمی هستید و تنها راه نجات را در سکنجه کردن دکراند یسان دست خلق جستجو می نمانید؟ ما البته به تجربه یافته ایم که در فرهنگ و آزه های " ریکان آمریکائی " کلمات آزادی و صلح حقوق بسر معانی وارونه ای دارد ۰ حالا ساهده می کنیم که در " اسلام آمریکائی " هم حیلی از ضد ارزش " در لافاسه ارزشها عرضه میسود و سکنجه های وحشیانه " رافت اسلامی " نام میگرد ۰

نحست گفتند چند مأمور کاک-ب را دستگیر کرده ایم و کاری به حزب توده نداریم، فقط باید یک کمیته مرکزی تازه به وزارت نسور معرفی کنند ولی حال که اعضای " این حزب منحل و کسیف " را به زندان دعوت می کنند! فرد است که آسکارا هواداری از عقاید علمی و مترقی را اصولا محاربه با " خدا و رسول خدا و فساد در روی زمین " اعلام کنند و هم دکراندیش را بعنوان مفسد - فی الارض بدست جلازدان نادانی بسپارند که بگفته یک نویسنده خارجی باور کرده اند که دست نشان دستان حقیقت است و همه روز تراردی می آفرینند ۰

حزب توده ایران بارها اعلام کرده و در عمل ثابت نموده که برخلاف قسریها و راستگرایان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وفادار است و در چارچوب آن برای تحقق حواسنهای اولیه انقلاب، اسقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه سیاسی میبند ۰ ما بازبان و قلم و ناغذ کار داریم، سما اینها را خوب می دانید ترستان هم درست از همین واقعیت است ۰ سما از زبان و قلم و اندیشه ما میسید ۰ از زبان ما که نزدیک به فهم نارگران و دهقانان و بازگو کننده آمال و آرزوهایان است میترسید خوب میدانید که کارگران و دهقانان و دیگر زحمتشان، بزودی، در اثر تجربه روزانه خود دوست را از دشمن تشخیص خواهند داد و چنین پند استاید که با نابود کردن دوستان واقعی خلق حسوت بهره نسسی و نارتگری سرمایه داران، زمین داران را جاویدان خواهید ساخت ما برای مبارزه با قسریها و مسلمان ناهها نیازی به اسلحه و مهمات نداریم زیرا آنها خود سان از نظر تاریخی محکوم بسز و ال و میرند هانسند و باین جهت است که جنگ اعلام سرد هاند و میخواهند همه خردندان را نابود کنند ۰

مصاحبه رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با روزنامه "ریستوس پاستیس" چاپ یونان



مبارزه کرده باشد، نشان بدهید، که سرمایه داری امپریالیستی و ارتجاع این برجسپا به او نزده باشد. تعدادی از قهرمانان ملی ما، کمونیستهای بنام ایران اعضاء قهرمان حزب با این اتهام به جوجه آتش سپرده شدند. جواب این قهرمانان جاویدان باین اتهام آخرین کلماتی بود که با صدای گلوله دشمنان ایران و مردم زحمتکش آن در هم آمیخت و در کوه و دشت وطن غمزه ماطنین میانداخت: "زنده باد ایران"، "زنده باد حزب توده"، "ایران"، "زنده باد مردم ایران"، "زنده باد سوسیالیسم" و نظایر اینها. شرم آور است که امروز هم نسبت به حزب ارانی، روزیه، وارطان ۰۰۰ اتهامات رنگ باخته امپریالیسم ساخته تکرار شود. مخالفان و دشمنان حزب توده، ایران که جان سختی و استواری آنرا در راه تأمین استقلال، آزادی و عدالت واقعی اجتماعی دیدند و می بینند این بار هم با این اسلحه کهنه علیه این حزب قهرمان که هزاران شهید داده است و بیش از ۱۰ هزار سال زندان بدوش میکشد، میدان آمده اند می خواهم از صمیم قلب و با اعتقاد تمام بگویم که ضربه به حزب توده، ایران، نونک خنجر زهر آگینی است که به قلب انقلاب ایران فرو میرود. بگذار مسئولان امروز جمهوری اسلامی ایران هزار بار گز کنند و یک بار پاره کنند و همه جوانب این کار را بسنجند. حزب ما دوست انقلاب ایران و پشت صفاق جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. این واقعیتی تمام عیار است، تعارفی در این مورد نبوده و نیست. امپریالیسم آمریکا، همه سرمایه داری امپریالیستی، سلطنت طلبها، همه دشمنان رنکارنگ انقلاب ایران پس از باز-

خبرنگار روزنامه "ریستوس پاستیس" چاپ یونان مصاحبه ای با رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی حزب توده، ایران بعمل آورده است که ذیلا خلاصه آن درج میشود.

سؤال: بازداشت نورالدین کیانوری دبیر اهل کمیته مرکزی حزب توده، ایران و عده ای از افراد رهبری حزب توده، ایران و تظییقات نسبت باین حزب را چگونه ارزیابی میکنید؟

جواب: درست در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، تلاش عناصر و محافل ضد انقلاب و طرفداران مالکیت بزرگ ارضی و سرمایه داری بزرگ - این پایگاه اجتمعی امپریالیسم، و تلاش امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که به جوجه نمیتواند تن به شکست عظیم خود در ایران بدهد و همواره به بهشت گم شده و چراگاه "بر برکت" خود می - نگرند، فشارها و محدودیت های دائمی علیه فعالیت قانونی حزب توده، ایران جای خود را به ضربه جنون آمیز نیروهای راست و عوامی نفوذی در حاکمیت داد. عده کثیری از اعضاء و افراد رهبری حزب توده، ایران، منجمله رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اهل کمیته مرکزی حزب به اتهام واهی جاسوسی بازداشت شدند برای حزب ما همچنانکه برای همه احزاب کمونیست و کارگری و علاوه بر آن همه نیروهای مترقی و دموکراتیک و ضد امپریالیست این اتهام انعقد کرده است که دیگر نه کسی را متعجب و نه کسی را فریب می دهد. شما نیروئی یا شخصیتی را که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر واقعاً بخاطر استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت - اجتماعی، بویژه علیه سرمایه و غارت سرمایه داری

داشت رفقای توده ای ما جشن گرفته اند. بخدار سخنان سحران و حکیم بزرگ ایران سعدی را که ۸۰۰ سال پیش توصیه میکند بحاطر بیایورند که میگفت:

"حذر کن ز آنچه دشمن گوید آن کن
کس برزائو زنی دست تغابن
گرت راهی نماید راست چون تیر
از آن برگرد و راه دست چپ گرد"

جنگ، جنگ، تایپروزی ضد انقلاب؟

صدام که تا دیروز یک ورسگسته به تصییر بود، بر اثر ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، ماسک میهن پرستی و دفاع از "وطن عربی" به جبهه زد و اگر ندانم کاریها همچنان ادامه پیدا کنند بعید نیست که تبدیل به یک "قهرمان ملی" هم بشود!

ولی ما از ادامه جنگ گرم در مرزها نترسیدیم بلکه علاوه بر تحمل خسارات وحشتناک انسانی و اقتصادی روزانه، خود انقلاب را نیز بر لب برتگاه سقوط نشاندیم. بر اثر ادامه جنگی که دیگر درفش دفاع از میهن نبود بلکه نابود کردن "دفر و استنبار جهانی" و "بسه احتزاز در آوردن برحم لاله الله برفراز مسکو و واشینگتن" را آماج خود اعلام کرد، کم کم کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران و عمام لسان مواضع خود را در حاکمیت تحکیم کردند و بقیه در صفحه ۱۲

تحمل کرده بودند.

اما امپریالیسم آمریکا خواهان قطع جنگ نبود و میخواست از جمله، بنیه نظامی و اقتصادی دی هر دو کشور همسایه را تا حد اکثر ممکن تضعیف کند تا دست و بال عامل اصلیش در منطقه، یعنی دولت صهیونیستی اسرائیل برای تجاوز به سوره های عربی هرچه بازتر شود. از اینرو عمال نفوذی امپریالیسم در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، با سوء استفاده از نقاط ضعف فکری رهبران و با تهییج احساسات به ظاهر اسلامی در مردم، مانع از استفاده از این موقعیت ممتاز شدند و جنگ را، همانطور که امپریالیسم آمریکا میخواست، تبدیل به یک جنگ فرسایشی کردند.

جنگ فرسایشی و برادرسی میان عراق و ایران همچنان ادامه دارد. پس از آنکه بر اثر یکبار قهرمانانه و از خود گذستگی توده های مردم ایران ارتش متجاوز صدام در داخل سرزمین ما با شکست فاحسی روبرو گردید و با بفرار گذاشت و آمادگی خود را برای صلح و مذاکره اعلام نمود، برای جمهوری اسلامی ایران بهترین موقعیت بود که به جنگ گرم در مرزها پایان دهد و احقاق حقوق حقه ایران را از راههای دیگر دنبال نماید. در آنصورت صدام و رژیمش در برابر مردم عراق در بدترین موقعیت قرار می گرفتند و خود بخود در کوتاه مدت ساقط میشدند، چراکه بدون دلیل موجه و بدون هیچگونه دستاوردی زیانهای مالی و جانی فراوانی را به مردم عراق

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران درباره ابراز نگرانی از شکنجه زندانیان توده‌ای

چند روز پیش از آغاز نمایشهای تلویزیونی از زندان اوین که در آنها ویدئوهای قربانیان شکنجه‌های غیرانسانی را که هنوز تحت تأثیر شکنجه‌های طاقت فرسا و داروهای ویژه هستند، در برابر چشمان حیرت زده بینندگان قرار می‌دهند، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به مسئولان مملکتی در مورد توطئه خطرناکی که میتواند به بهای جان عده‌ای از بهترین فرزندان انقلاب تمام شود، اعلام خطر کرده است، که بخشهایی از آن در زیر منتشر می‌شود:

خبرهای دردناکی از زندانها میرسد: زندانیان توده‌ای، این مدافعین راستین و جانباز انقلاب را در زندانها شکنجه میدهند. آخرین خبرها حاکی است که حتی رهبران حزب هم زیر شکنجه‌اند و کار برخی از آنان به بیمارستان کشیده است.

ما در نامه‌هایی که چندی پیش در رابطه با بازداشت دکتر نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران حزب برای تک تک شما فرستادیم، در این باره هشدار دادیم و تأکید کردیم که آنچه ما را نگران می‌کند فقط سرنوشت حزب ما و رهبران آن نیست، سرنوشت انقلاب است. متأسفانه به آن نامه‌ها ترتیب اثری داده نشد و رهبران و مسئولین و هواداران حزب - و حتی افراد کاملاً عادی که "حرمی" جز خویشاوندی با توده‌ایها ندارند، همچنان در زندانهای نامعلوم و پنهانی نگاهداری شدند و از حق استفاده از حقوق زندانی سیاسی که سهل است از حقوق زندانیان عادی هم محروم ماندند.

اینک رفتار با اسیران این فراموشخانه‌ها بحدی خشن و غیرانسانی شده که برغم آن همه پنهانکاری برخی خبرها به خارج درز کرده و موجب نگرانی بسیار شدید ما شده است. ما لازم میدانیم نگرانی عمیق خود را این بار طی نامه سرگشاده‌ای با شما در میان گذاریم، نسبت به سرنوشت رهبران و مسئولین و هواداران حزب در زندانها ابراز نگرانی کنیم و مردم را به شهادت طلبیم و باز و باز تکرار کنیم که سخن تنها بر سر حزب ما و رهبران آن نیست، سرنوشت انقلاب مطرح است و شما در برابر تاریخ و مردم مسئولید!

آقایان محترم

حکومت مردمی و ضدامپریالیستی ایران، که شما مسئول اداره آنید، از دو جهت شدت تضعیف و مسخ میشود. نخست اینکه جمهوری اسلامی بیش از پیش به شیوه‌های ضد مردمی گذشته توسل میجوید و دیگر اینکه سمت حرکت آن بسرعت تغییر می‌یابد، خط عوض میشود و جمهوری راه رفته را بازمی‌گردد. بر همه روشن است که یک حکومت مردمی نمی‌تواند با شیوه‌های غیر مردمی حکومت کند. این شعار فرصت طلبانه که گویا هدف وسیله را توجیه می‌کند - از ریشه نادرست است و توجیه هر کار ناشایست با این شعار شایسته یک حکومت انقلابی نیست. ادامه این راه انقلاب را می‌پوساند.

ما در گذشته بارها این حقیقت را متذکر شدیم، ولی دلسوزی ما مورد عنایت قرار نگرفت و راست گرایان افراطی که فرهنگ حکومتی شاه را تمام و کمال به ارث برده‌اند، موفق شدند نظر خود را به جمهوری تحمیل کنند و بایره گیری از فرهنگ گذشته پرونده سازی، دروغ گوئی، سرکوب دگراندیشان و سرانجام شکنجه زندانیان سیاسی را امری عادی جلوه دهند و انقلاب را در سراسیمه خطرناکی بیاندازند.

سراسیمی را که جمهوری فقط طی دو ماه ونیم اخیر در رابطه با بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران پیموده از نظر بگذرانید: توطئه گران ضد جمهوری اسلامی که در مقامات حساس جا خوش کرده‌اند، ابتدا این فکر را قبول کردند که گویا بازداشت رهبران حزب "فواید سیاسی" دارد و سپس برای کسب "فواید سیاسی" گفتند که اینان "جاسوسند" و چون دلیل نداشتند دست به کثیف ترین نوع پرونده سازی زدند، باز هم سند و دلیل جاسوسی فراهم نشد، اتهامات تازه‌ای از نوع "تحریک کارگران به کم کاری" و "جعل گذرنامه" به میان آوردند و بحای ارائه سند ادعا کردند که "اعترافات" داریم و چون اعترافات نبود باز جویان متخصص ساواک را به همکاری طلبیدند و در بازجویی‌ها شرکت دادند و سپس شکنجه به میان آمد...

اگر دست این توطئه گران باز باشد - که متأسفانه امروز باز است - ادامه این سراسیمه می‌تواند به بهای جان عده‌ای از بهترین فرزندان انقلاب تمام شود.

آقایان محترم

تنها در ارتباط با شکنجه زندانیان و پرونده سازیهای ننگین علیه سازمانهای انقلابی نیست که توطئه گران راست گرا فرهنگ منحن سابق را به جامعه بازمی‌گردانند، با کمال تأسف در غالب عرصه‌های زندگی ارث گذشته سربلند می‌کند و رفته رفته مسلط میشود، جهت حرکت حکومت تغییر می‌کند و خط‌ها عوض می‌شود.

شعار مرگ بر آمریکا جای خود را به پرداخت ۲۶ میلیون دلار خسارت ادعایی آمریکا بابت لانه جاسوسی و پوزش از آن دولت می‌سپارد. دانشجویان مظلوم خط امام از همه جا رانده میشوند و شیطان بزرگ با تمام قد از همه جا و از جمله از مرز ترکیه و سازگان برمی‌گردد.

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ ابراهیم نگرانی از

شکنجه زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱۰

شعار مرگ بر شاه، بعنوان شعار نفی نظام گذشته دیگر شعاری منسوخ تلقی میشود که گویا اصلاً خود مطلب با مرگ شاه از میان رفته و از دستور خارج شده است. هرگز مرگ بر شاه را به معنای واقعی آن (یعنی مرگ بر رژیم شاه! مرگ بر نظام اجتماعی-اقتصادی شاه! مرگ بر استبداد شاه!) نداند و خواستار تغییر بنیادی نظام شاهنشاهی باشد در عمل مجرم شناخته میشود.

شعار آزادی زندانیان سیاسی، که در سال ۱۳۵۷ سرتاسر کشور ما رافرا گرفت و زندانیان شاه را گشود قاعدتاً "می‌بایست پس از انقلاب کاملاً از میان می‌رفته ولی امروز متأسفانه بعنوان یک شعار در دستور روز مردم قرار می‌گیرد. مردم مدام مجبور میشوند از دولت بخواهند که به کار زندانیان رسیدگی کند. امام مجبور میشوند که هر چند گاه برای رسیدگی بوضع زندانیان دستور صادر نمایند و خواستار آزادی زندانیان شوند، که متأسفانه مانند سایر پیام‌ها و رهنمودهای اخیر امام، یا به فراموشی سپرده میشوند و یا به غلط تعبیر شده، مستمسکی برای آزادی زندانیان ضدانقلابی و جا باز کردن برای نیروهای انقلابی قرار می‌گیرند. وحال کار جمهوری اسلامی ایران به جایی رسیده است که ما باید از رهبران آن تقاضا کنیم که کسانی را که ۲۵ سال اسیر زندانیان شاه بودند و همواره از انقلاب دفاع کرده‌اند شکنجه ندهند! چه واقعیت دردناکی! چه پدیده "شرم‌آوری"!

شعار عدالت اجتماعی، امروز دیگر عملاً جرم به حساب می‌آید و هر کس عدالت اجتماعی بخواهد بزند و شکنجه و تعزیر تهدید میشود. پاسداری که در آغاز انقلاب به ده می‌رفت تا مالک را بیرون کند و زمین به دهقان بدهد امروز باید همراه زاندارم به ده برود تا دهقان شهید داده را از زمین بیرون کند و مالک از آمریکا برگشته را بجای او بگذارد. و آن مأمور هیأت هفت نفری که دیروز ملاک غصبی فتوایها را بسود مردم صادره و تقسیم می‌کرد اینک باید این مسأله "فقهی" را حل کند که اصلاحات ارضی شاه شرعی بود یا نه؟ و یا به آن مالک بسیار بسیار "مسلمانی" که از آمریکا برگشته و زمین‌های تقسیم شده در زمان شاه را هم با اصل و فرعی طلب می‌کند، چه باید گفت؟ همین مسأله اکنون در مورد کارگران و قانون کار نیز با شدت مطرح است و احتیاجی به توضیح ندارد.

گروه‌های ضدانقلابی که در پیوند آشکار با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کنند، روز بروز اعتماد به نفس بیشتری می‌یابند. کمتر کسی بفکر تعقیب آنهاست شاید حتی یک تلفن از محافل ضدانقلابی زیر کنترل نباشد، اما در عوض تلفن‌های توده‌ایها زیر کنترل است و همه سازمانهای انقلابی شدیداً "زیر فشارند". دیگر کسی جرأت نمی‌کند که در کوچه یا محل کار از انقلاب دفاع کند مبادا اسمش در لیست نسیاه نوشته شود. ساواکیها و حجتیه‌ایها و سایر عوامل امپریالیسم با خرسندی کین‌توزانه‌ای اعلام می‌کنند که فهرست چند هزار نفری از توده‌ایها و اکثریتیها تنظیم شده و معیار و ملاک در تدوین این فهرست رفتار افراد در زمان انقلاب و پس از آنست. هر کس با شور و حرارت و تا پایان از انقلاب دفاع کرده توده‌ای است و اسمش وارد فهرست میشود!! یکی از حضرات ساواکی - که تازه از زندان آزاد شده و مسئولیت "حفاظت" وزارت خانه‌ای را بدست گرفته - گفته است: "منتظر دستوریم! شمارش معکوس آغاز شده است!!"

آقایان مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران!

شمارش معکوس چه چیزی آغاز شده است؟ شکنجه و سربسته کردن توده‌ایها در زندان؟ آزاد کردن جانیان و قاچاقچیان و پرکردن جای آنها با مبارزین انقلابی؟ و یا پایان درد آلود یک انقلاب شکوهمند که مردم ستمدیده و ایشارگر ایران سکان آن را با آن همه امید بدست شما سپردند؟ ما در نامه‌های خصوصی که به تک تک شما بلافاصله پس از بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب نوشتیم دونکته را یادآوری کردیم که مایلیم تکرار کنیم:

نخست اینکه حزب توده ایران - صرفنظر از اینکه جمهوری اسلامی ایران با آن چگونه رفتار کند - در میان مردم سربلند و پیروز است. این حزب از اصیل ترین شعارهای انقلاب با جانبازی و صداقت بی‌پایان دفاع کرده و طبیعی است که در لحظه عقب‌گرد انقلاب مورد تهاجم قرار گیرد، راه حزب ما که راه وحدت عمل کلیه نیروهای انقلابی از مسلمانان و دگراندیشان برای تعمیق انقلاب است، بر حق است و سرغم همه فشارهایی که به آن وارد آید، این راه پیروز خواهد شد و توده مردم زحمتکش و انقلابی ایران به درستی شعارهای حزب ما و به صداقت انقلابی آن در حمایت از اتحاد همه نیروهای انقلابی اعتقاد و اعتماد بیشتری پیدا خواهند کرد. آنچه در هجوم به حزب ما و در رفتارناشایست با رهبران آن ضربه می‌پذیرد، فقط ما نیستیم، خود انقلاب است.

دیگر اینکه مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از خط مردمی و ضد امپریالیستی امام و انقلاب از جهان‌بینی و برنامه انقلابی ما سرچشمه می‌گیرد و تغییرناپذیر است: ما همچنان از هر گام انقلابی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنیم و بسیار متأسفیم که عوامل نفوذی دشمن، جمهوری اسلامی ایران را در چنان جاده‌ای انداخته‌اند که گامهای قابل دفاع آن روز بروز کمتر میشود و جمهوری به تدریج و در عمل خط عوض می‌کند.

آقایان مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران!

قضاوت در این باره که آیا شما در جریان افکار عمومی هستید و از واکنش مردم در قبایل تصمیمات خود ناخبرید یا نه برای ما دشوار است. ولی تردیدی نداریم که اگر واقعیت را میدانستید، بیش از آنچه نشان میدهید نگران می‌بودید. توده‌های وسیع مردم که چنان صحنه‌های درخشانی از آگاهی و ایثار انقلابی بوجود آوردند - صحنه‌هایی که در تاریخ انقلابها با خط زرین ثبت خواهد شد - امروز دچار تردیدند و فردا؟

بقیه در صفحه ۱۲

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ ابراز نگرانی از شکنجه زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱۱

ما در این لحظات تاریخی شما را که زمامداران این کشورید به احساس مسئولیت در برابر انقلاب و مردم دعوت می‌کنیم. به عقب‌برنگردید؟ به شکنجه امید نسندید، زندانیان را از انقلابیون مدافع جمهوری برکنکید، بدست خودتان ضدانقلاب را بال و پر ندهید، سرانجام این راه شکستی است که بیش از همه دامن خود شما را خواهد گرفت.

انقلاب ایران امکانات عظیمی برای پیروزی دارد. توده‌های میلیونی برای فداکاری در راه شعارهای اساسی انقلاب آماده‌اند. چرا از پیروزی انقلاب می‌ترسید؟ چرا قانون اساسی را که خود نوشته‌اید زیر می‌گذارید؟

بیاشید و تا بیش از اینها دیر نشده از همین جا سرگردید! پرونده‌سازی رسوا علیه حزب توده‌ای را متوقف کنید و کسانی را که این توطئه ننگین را به جمهوری انقلابی ما تحمیل کرده و دست به شکنجه بهترین فرزندان این آب و خاک آورده‌اند، از صفوف جمهوری برانید و زندانیان توده‌ای و سایر زندانیان مدافع انقلاب را از زندانها آزاد کنید. شکنجه قهرمانان مقاومت زندانیان شاه حقیقت دادن به شاه و رژیم آمریکایی اوست و به چیزی تعبیر نمی‌شود جز ضعف منطق و استدلال مدعیان روشکنجه گران و سستی پایگاه اجتماعی آنها و ناتوانی وضع‌کنندگان و مجریان قانون در حراست از اصول و محتوی آن. آنجا که داغ و درفش و شلاق و شکنجه‌های روحی برای گرفتن اعترافات آنجاسی - همراه با پرونده‌سازی و صحنه‌آرایی‌های نمایشی و ضد اخلاقی و شایع کردن دروغ و افترا و سرحسب زنی و تخطئه و توهین - به صورت نقطه امید برای برخی از اصحاب قدرت درمی‌آید و برای بیشتر مقصود محاز شمرده می‌شود، و با اعمال این وسایل و ابزار سیاه از سوی مقامات عالی حکومت ساکوت و اغماض مواحه می‌شود، چه چیز بیشتر از اعتماد و باور عمومی بر نادمی‌رود و چه چیز بیشتر از قانونیت و مشروعیت حکومت خدشه می‌پذیرد؟

بیاشید دست بدست هم بدهیم و با همان شعارهای اساسی آغاز انقلاب با شعارهای: مرگ بر آمریکا، مرگ بر شاه، زنده با استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، شور و شوقی زرفتر از سالهای ۵۸-۵۷ برپا کنیم و انقلاب را به پیروزی برسانیم.

درست است که شما، از مدتی پیش دیگر برای هیچ مسئله‌ای راه حل عملی و روشن نشان نمی‌دهید ولی انقلاب ایران در بن بست نیست. راه پیروزی این انقلاب باز است و همه مسائل جامعه در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راه‌های درست و عملی دارد. این دشمنان انقلاب اندک جمهوری را به سر راه می‌کشند و همه راه‌ها را از میان می‌برند. تلاش برای اتحاد با بزرگ مالکان و کلان سرمایه - داران است که سبب میشود همه کارها معطل بمانند. به این اتحاد شوم نمی‌توان و شاید امید بست. امام با رهبری قاطعانه خود انقلاب شکوهمند همین ما را به نخستین پیروزی‌های بزرگ هدایت کرد، امیدی آتشین در قلوب میلیونها انسان زحمتکش برافروخت و احترامی عمیق در ایران و جهان کسب کرد. نگذارید به این امید و احترام وسیع مردمی لطمه وارد آید. نشانید دست بدست هم بدهیم تا این امیدها به ثمر نشینند و نام بزرگ امام هم چنانکه شایسته است در تاریخ ایران و جهان جا بماند. توده‌ها آماده‌اند! توده‌ایها و همه انقلابیون مردمی آماده‌اند. مسئولیت تاریخی شما و فقط شماست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲

داده ایران، و همه آرزوها و امیدهایشان خراب می‌شود.

سغار جنگ، جنگ تا پیروزی که چه بسا دشمنان، با سوء استفاده از احساسات پاک مردم علیه جنایات ارتش صدام در دهان نشان می‌نمایند، در واقع سغار جنگ، جنگ تا پیروزی ضد انقلاب است! زیرا انقلابی که در داخل به هیچیک از هدفهای خود دست نیافته و بر اثر اشتباهات رهبران حاکمیت، تقریباً در آستانه شکست ناهل قرار دارد، برای دیگران جاذبه‌ای ندارد که بتوان آنرا "صادر" کرد. ضدانقلاب ادامه جنگ را میخواهد تا بطور ناهل برانقلاب پیروز شود. اگر موفق شد، خواهد دید که در ظرف چند روز با صدام سازش خواهد کرد، حتی اگر به بهای منافع ملی ایران باشد.

جنگ، جنگ تا پیروزی ضد انقلاب؟

بقیه از صفحه ۹

گرفت، آنهم در زمانی که هنوز رهبران انقلاب و بسیاری از یارانش حی و حاضرند و بر تمام تارها نظارت دارند و هر تار و اندامی، چه درست و چه نادرست، پای آنان گذاشته می‌شود. به دیگر سخن، خطرناکترین ضربه دشمنان خارجی و داخلی مردم ایران بر انقلاب این بود که توانستند نخستین خست بنای کج نئونی را بدست خود آن کسانی بگذارند که روزناری می‌خواستند "جامعه قسط اسلامی" برپا کنند و اینک بنای کج، تا حد سقوط رسیده و دارد بر سر خودشان و مردم زحمتکش شهید و قربانی

مانع از اجرای هرگونه اصلاحات اجتماعی به سود توده‌های زحمتکش خلق شدند. سپس تار بجائی رسید که زیر سغار "نه شرقی نه غربی"، در واقع نظام سرمایه‌داری هرچند عقب مانده ولی صد درصد غربی زمان شاه را از نو بر اقتصاد ما مسلط کردند و هر گامی که در روزهای اول انقلاب بنفع مردم محروم برداشته شده بود - بعنوان "شرقی" و "کمونیستی" مردود اعلام گردید.

بدین ترتیب، بر اثر ادامه غیر لازم جنگ، کل انقلاب در خطر منسوخ کامل و شکست قرار

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آقای معتمد رضائی، معاون وزیر کار، افزایش حقوق کارگران را عامل تورم معرفی می کند!

آقای معتمد رضائی، که به همراه وزیر کار در تهیه پیش نویس قانون ضد کارگری، کینه خود را نسبت به طبقه کارگر بحوبی عیان ساخته است، طوسی صاحبهای با روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۶۲ عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران را چنین توصیه می کند:

"هرگونه افزایش دستمزد در افزایش نرخ تورم بدون اینکه شک جندانی در افزایش قدرت خرید کارگران داشته باشد، اسر خواهد گذاشت و سبب بالافتن قیمت ها و کاهش قدرت خرید آندسته از اقشار جامعه، که افزایش حقوق ندارند، خواهد شد."

چنین استدلالی، که در ایران زمان سلاه و نوره های سرمایه داری هر روز شنیده می شد و میسود، حیز تازه ای نیست، مهم و درد آور آنست، که این استدلال را معاون وزارت کار دولتی، که وارث انقلاب سئوهمند ۲۲ بهمن سده است، می کند. معاون وزیر دولتی، که نخست وزیرش امسال را "سال مستضعفین" نامیده است، این نه حرا چنین است، استوالی است که بایستی مسلمانان انقلابی درون حاکمیت جواب دهند زیرا که در مقابل خلق و تاریخ مسئولند. اما آنچه که خیلی ها شاید ندانند، ولی آقای معتمد رضائی و امثال وی بخوبی می دانند اینست، که ریشه ثرائی و تورم را نه در افزایش ناچیز حقوق ناچیزتر کارگران، بلکه در بازار، وزارت بازرگانی و سیستم توزیع "اسلامی" آنان باید جستجو کرد. در حقیقت درست بدلیل همین آگاهی آقای معتمد رضائی از ریشه تورم و کرانی است، که می خواهد برای رد کم کردن، طبقه کارگر را به عنوان عامل تورم معرفی کند.

واقعیت اینست و آقای معتمد رضائی و سایر د ولتمردان نیز بحوبی می دانند، که حداقل دستمزد کارگران، که در زمان شاه، با ششجسه ساواک و زور سرنیزه ارتش ساهنشاهی در حد ۲۱۷ ریال باینن که داشته سده بود، پس از پیروزی انقلاب، به نزدیک سه برابر یعنی ۶۱۲ ریال افزایش یافت. این افزایش دستمزد را باید بحق بلی از دستاوردهای انقلاب دانست، اثر چه در همان زمان هم بدلیل مقاومت و حرا بنابر لبرالها این رقم از سطح واقعی در آمد ضرور برای تامین حداقل حاجت ها، که شانده سده

نفره (که معیار تعیین حداقل دستمزد است)، بسیار پائین تر بود. این حداقل در سسال ۱۳۵۹ به ۲۳۵ ریال رسید، یعنی فقط ۲۲ ریال افزایش یافت. در کنار این افزایش ناچیز، ظرف چهار سال سیاست کارگر ستیزانه وزارت کار (بجز دوره محدودی از وزارت آقای میرمحمد صادقی معاون فعلی وزارت کشاورزی)، در تمام دوران پس از انقلاب، به قلع و قمع اضافگان بها عید بها، پادشاه، حق عائله مندی و ...

که در حقیقت اجزائی از حقوق کارگران میباشند پرداخت، بطوریکه برای نمونه حقوق ماهانه یک کارگر استاد کار (در بالاترین رتبه کارگری) در شهر کت نفت، از ۵۷۰۰ تومان (در سال اول انقلاب) به ۳۲۰۰ تومان تقلیل یافته است. به این ترتیب در طول نزدیک به ۴ سال پس از تصیم شورای انقلاب د اثر بر افزایش حقوق کارگران، حداقل دستمزد نه تنها افزایش نیافته، بلکه آنطور که نشان داده شد، کاهش نیز داشته است.

در مقابل این روند تثبیت و کاهش حقوق کارگران بنابه اعتراف صریح اکثر دولتمردان و دست اندر داران جمهوری اسلامی، قیمت تمامی اقلام مواد مصرفی و کالاهای ساخته شده (جز اقلامی که مانند نان و قند و شکر هنوز در دست دولت، باقی مانده است) افزایش تا ۳۰۰ و حتی ۶۰۰ درصد نشان می دهد. قیمت برنج، که در سال ۱۳۵۸ کیلویی ۶۰ ریال بود در سال ۱۳۶۱

به حدود ۱۸۰ ریال (نرخ رسمی) یعنی سه برابر رسید. قیمت اتومبیل پیکان، اگر چه وسیله ای نیست، که طبقه کارگر مصرف کننده آن باشد، لیکن به هر جهت بیانگر جانب دیگر طیف افزایش قیمت است، از ۴۸ هزار تومان به ۷۸ هزار تومان (قیمت رسمی) و در حقیقت به ۲۱۰ هزار تومان (قیمت بازار) افزایش یافته است.

عوامل اثرانی در سرمقاله ها، گزارش روزنامه ها و سخنان د ولتمردانی نظیر آیت الله موسوی اردبیلی بخوبی سناسائی شده اند. این عوامل همانهایی هستند، که در زندگی سیاسی ایران به تروریستهای اقتصادی مسهور شده اند و در بازار لانه کرده اند. آیت الله موسوی اردبیلی در مورد کرانفرمسی و احتکار نفت که فقط در نمونه کرانفرمسی در تهران، یک سرمایه دار در عرض سه ماه ۲۸ میلیون تومان و دیگری ۱۲۲ میلیون تومان کرانفرمسی کرده اند، که هر کدام با پرداخت مبلغی بعنوان جریمه، به کسب و کار خود (یعنی کرانتر فروختن برای جبران جریمه) بازگشتند. در همان مصاحبه آیت الله موسوی اردبیلی خاطر نشان می سازد، که این دو نمونه فقط دو تا از صد ها نمونه است. در همین زمینه آقای برهانیسی دادستان دادگاه امور صنفی تهران، که بقول خودش بدلیل "رفتن بدنبال دانه های درست" به کارش خاتمه داده سد، در مجلس تودیع، که کارکنان این دادگاه بمناسبت عزل ایسان منعقد شده بودند، بیان داشت که نمونه های اعلام شد حتی یک صد م آنچه واقعاً در دادگاههای امور صنفی میگذرد، نیست. حال اگر ما از نمونه های کرانفرمسی یاد سده، مبلغ کمتر یعنی ۳۸ میلیون تومان کرانفرمسی در سه ماه (۲/۷ میلیی تومان در ماه) را بحساب آوریم و بجای صد ها برابر (آنطور که آقایان اردبیلی و برهانی گفته اند) فقط صد برابر آنرا بحساب بیاوریم، نتیجه اینست

میشود که در تهران با حد ود یک میلیون شاغل مزد بگیر هر ماه حد ود ۱/۲۷ میلیارد توم. اس یعنی به از آن هر شاغل حد ود ۱۲۷۰ تومان کرانفرمسی میشود. حال اگر حقوق متوسط یک حقوق بگیر (کارگری کارمند) را ماهانه حد ود ۳۶۰۰ تومان فرض کنیم (یعنی حد ود دویز برابر حداقل دستمزد فعلی)، با یک حساب ساده روشن میشود، که ماهانه یک سوم حقوق یک حقوق بگیر ساده توسط تروریستهای اقتصادی د زدیده می شود.

بدیهی است که این د زدی شبانه روزی بمردم فشار تحمل ناپذیری وارد می آورد و لذا بطور طبیعی این پرسش برایشان مطرح خواهد سد. که ریشه در چیست و عوامل آن کدامند؟ در این جاست، که وظیفه حامیان سرمایه داری نظیر آقای معتمد رضائی و برخی مقامات وزارت بازرگان، که درون دولت جمهوری اسلامی جابخوش کرده و بابتد ناف به بازار و سرمایه داری بزرگ و نولیهان پس از انقلاب وابسته اند، شروع می - سود، یعنی دادن آدرس عوضی. درست همان طوره وقتی فریاد "مرگ بر آمریکا" اوج می گرفت برخی ها "شوری را مطرح می کردند تا آمریکا منسی شود"، و درست همان طوره در بحیوبه توطئه های امپریالیستی نیروهای امنیتی به دنبال نخود سیاه فرستاده میشوند تا از نفوذ "تودهایها" و فدائیان اشرفیت" جلوگیری کنند تا کسمیرها و کلاهی ها و سایر وابستگان به امپریالیسم، که از همین طریق به بالاترین مقام های امنیتی رسید هاند، وظیفه خود را انجام دهند و بالاخره درست همان طوره که در زمانی که امپریالیسم برای زدن ضربه نهائی به انقلاب آماده میسود، رهبران حزب توده ایران متهم به "جاسوسی برای کشورهای شرقی" میسوند تا جاسوسان امپریالیسم بتوانند "ساواک" و "حجتیه" را که پس از انقلاب با سازی کرده اند برای زدن ضربه نهائی فعالانه وارد عمل کنند، آقای معتمد رضائی هم کارگران را بعنوان عامل تورم با انگشت نشان مید هد، تا حامیان محتر و کرانفرمست بتوانند در پناه "اسلام" توطی و معتمد رضائی، خون کارگران و زحمتکشان را با خیال راحت بمکند. شاید امثال توکل و معتمد رضائی برای چند صباحی با استفاده از تردید و معاسات مسلمانان مبارز درون حاکمیت موفق شوند، آنان را نسبت به طبقه کارگر و نماینده سیاسی آن یعنی حزب توده ایران بد بین کنند و بین اقشار زحمتکش و طبقه کارگر نفاق بیانداز (همان چیزی که همواره در صد ر توطئه های امپریالیسم قرار دارد).

لیکن تاریخ بالاخره نقش افشاگرانه خود را ایفا خواهد کرد و جای آقایان معتمد رضائی ها را به همراه سایر حامیان استثمار بد رستی تعیین خواهد نمود.

گوشه‌هایی از نامه درد آلود یک ایرانی مسلمان خطاب به رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور

مسلمانان مبارزی که از تسط طبقات بهره - کش و ایادی آنها در نهاد های حاکمیت و خطر شکست کامل انقلاب دچار تشویش و نگرانی جدی شده‌اند نامه طعنی خطاب به رهبران برجسته حاکمیت می‌نویسند و برخیها رونوشت آنها را در اختیار " راه توده " نیز می‌گذارند. این اعتماد به توده‌ایها که دارد در میان جوانان مسلمان متحد به اسلام کوخ نشینان گسترده می‌شود ما را به آینده امیدوار می‌کند زیرا این هموطنان دارند بی‌می‌برند که در واقع همه مردم زحمتکش ایران صرفنظر از تمایزات قومی و مذهبی برادر یکدیگرند، در حالیکه یک میلیارد رز " مسلمان نما " که بنام حزب جمهوری اسلامی نمایند " مجلس می‌شود و نمایند " اسلام معاویه و اسلام آمریکائی است هیچ وجه مشترکی با کارگر و دهقان زحمتکش مسلمان ایرانی ندارد .

در نامه از جمله چنین می‌خوانیم :

" برادران عزیز، آنچه که این بنده خدا را بر آن داشت که از راهی دور با شما مکاتبه کنم نگرانی من و دیگر برادران و خواهران مسلمانم و همچنین عده زیادی از نیروهای طرفدار اهداف انقلاب اسلامی ایران از اوضاع و موانعی است که اخیرا بطور روشن بروز کرده و جلوی رشد و شکوفائی انقلاب را سد کرده و نمی‌گذارد که اصلی ترین هدف انقلاب یعنی استقرار عدالت - اجتماعی جهت رفع ستم های دوران سیاه پهلوی از زندگی محرومان جامعه تحقق پذیرد و نور شادی و شمع بر کلبه های حقیر آنان بتابد .

برادران مبارز و ارجمندم . اسلامی که من و نسل جوان ایران از شما و دوستان و یاران شما آموخته‌ایم به ما می‌آموزد که تاریخ مذهب بطور اعم و تاریخ اسلام بطور اخص صحنه نبرد و گرایش عده در طول زمان بوده است که شادروان دکتر شریعتی در اثر زیبای خود " مذهب علیه مذهب " نشان داده است که قابیلیان تاریخ به هزاران رنگ ظاهر میشوند تا مذهب پاک و زلال هایلیان را بسه مسخ بکنانند و راه انحراف آنها با استفاده از هم شکلی ظاهری آنها هموار کنند . شما بخوبی می‌دانید که امروز نیز این دو مذهب در ایران به نبردی سرنوشت ساز مشغولند . شدت نبرد به مرحله‌ای رسیده است که نه تنها در کوچه و بازار و خانقاه و مدرسه و کارخانه و موزه بلکه فراتر از مرزهای میهنی، و بخصوص در غرب از آن سخن می‌گویند و همه دوستاران انقلاب ایران

و استقلال ایران امیدوارند و بی‌مناک . امیدوار که مذهب هایلی، مذهب مردم پیروز شود و بیم دارند که نکند باز مذهب باطل کعب الاخبار مذهب اسلام معاویه، اسلام سرمایه‌داری، قدرت بلا منازع، را در ایران قبضه کند . آری قابیلان از خلا حضور راد مردان

تاریخ ایران (آیت الله بهشتی تابشراه، محمد منتظری رضوان الله علیه، دکتر باهنرو رجائی رحمته الله علیهم ۰۰۰) مدتی است که باز هم نیروی خود را متمرکز کرده و حمله را آغاز کرده‌اند و درد ناگت اینک بازم بنام مذهب، مذهب شرک علیه مذهب توحید، مذهب طرفداران سر - مایه‌داری علیه مذهب طرفداران کوخ نشینان . اینها دفاع از سرمایه‌داری و فئودالیسم را عین شرع میدانند و تا دلتان بخواهد آیه و حدیث و روایت می‌آورند تا از ضربه خوردن این دیو پیاگاه مهم امپریالیسم و ارتجاع جلوگیری کنند، اینها با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مخالفند، اینها حتی اینجا و آنجا کساست‌خاری پیدا کرده‌اند که علیه آن اصول قانون اساسی که مشخصا منافع مردم محروم و زاغه نشین را در نظر دارد به تمسخر بگیرند و از سندیت بپزند. برادران عزیز، راستگرایان و انجمن حجتیه و کلیه کسانی که اسلام معاویه و سرمایه‌داری را مدافع هستند مدتی است که علیه چند لایحه مصوبه مجلس شورای اسلامی که منطبق با قانون اساسی در جهت حمایت از منافع کوخ نشینان است فعال شده‌اند و بطور نمونه لایحه ملی کردن با - زرگانی خارجی، اصلاحات ارضی و مالک و مستاجر را توانسته‌اند با استفاده از قدرت شورای نگهبان بایکوت کنند . شورای نگهبان که در حقیقت باید پاسدار اجرای اصول قانون اساسی ایران باشد خود علیه آن اصول فعالیت می‌کند و از آنجا که تفکر حاکم بر اکثریت اعضای شورای نگهبان خلاف حکومت اسلام انقلابی و تشیع سرخ علوی است و تطابق با نیاز زمان و انقلاب ندارند رفعت دشمنان انقلاب و مردم رنج دیده، ماست . جای تعجب نیست که ضد انقلاب و صدای رادیوهای بیگانه و روزنامه‌های آنها از شورای نگهبان و دیگر روحانیونی که چنین تفکری دارند پنهان افسرد ملی و اسلام شناس بزرگ و " مومن " نام می‌برد .

و اما در زمینه آزادی اندیشه، آزادی احزاب سیاسی و فعالیت آنها در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان از پیامبر گرفته تا امامان معصوم و همه رهبران مذهبی آگاه، به ضرورت داشتن سعه صدر در مورد مخالفین و قایل بودن آزادی برای کسانی که پیش فلسفی جداگانه‌ای دارند تاکید داشته‌اند. رفا - نون اساسی ما که شمره ۷۰ تلاش اسلام شناس بزرگ و مرد می‌ماست نیز چند اصل بی‌پایان امر به اختصاص دارد . اما خبرهای رسیده از ایران متأسفانه هجوم راستگرایان را در این عرصه هم نشان می‌دهد که بدون مقاومت پیروان بساوفای امام انجام شده است . خبر دستگیری رهبران حزب توده، ایران موجهی از نگرانی رادرمیان ما و دیگر خواهان برادرانم در دیگر شهرهای

آلمان غربی برانگیخته است چرا که ما به عین شاهد تلاش شبانه روزی هواداران آنها در جهت دفاع از امام و انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب هستیم . ما شاهدیم که حتی این روزها پس از دستگیری رهبری آنها، بدون کمترین تغییری در سیاست خود از انقلاب و دستاورد های آن حمایت می‌کنند . من و خواهرانم که در بعضی مقاطع با آنها همکاری داشته‌ایم، هر وقت که ما به نیروی آنها جهت دفاع از انقلاب و خنثی کردن تبلیغات مسموم ضد انقلاب احتیاج داشته‌ایم آنها بدون درنگ به ما کمک کرده‌اند .

برادران عزیز نگذارید ما را به عهد شکنی متهم کنند، نگذارید به ما تهمت تنگ نظری بزنند خود دشمن نخواهیم و نگذاریم که چهره زیبای اسلام و حکومت اسلامی لکه دار شود . نیروهای طرفدار انقلاب چچالغائی و چه از کشورهای دیگر به ما می‌گویند، سرکوب نیروهای تروریستی را می‌توانستیم بپذیریم ولی در مورد توده‌ایها چه چیز برای گفتن دارید ؟ برادران عزیز ضد انقلاب در خارج رقص و پایوبی می‌کند که حزب توده و سران آنرا گرفتند. وقتی از مقامات جمهوری اسلامی ایران، همان جمهوری که اینها به کمک ارباب خود آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان غربی در صدد ساقط کردن آن هستند، می‌خواهند که مردم هر چه سریعتر آنها را حتی بدون محاکمه اعدام کنند، من اعتقاد راسخ دارم که خوشحالی ضد انقلاب زخم خورده حتما به نفع انقلاب نیست و ایمان دارم که شما نیز بر این عقیده اید .

برادران ارجمند، ما پس از شنیدن این خبر از شرم و خجالت نمی‌توانستیم در چهره آنها نگاه کنیم، چرا که ما در این شهر و دیگر برادران و خواهرانم در شهرهای دیگر شاهد بودیم و هستیم که چه تضییقاتی از طرف ضد انقلاب برای توده‌ایها قایل میشوند . ۰۰۰ سرم آمده است که عده‌ای از مسلمانان در خارج از کشور خانه‌های خود خزیدند و از ترس ضد انقلاب جرأت دفاع از انقلاب را ندارند و برای دور شدن از تیررس ضد انقلاب چاره در آن دیده‌اند که به شهرهای دیگر بروند و بطور ناشناس زندگی کنند، اما من پناه به شرف اسلامی خود باید در مورد توده‌ایها عادلانه قضاوت کنم و بگویم همه آنها مانند ما که در صحنه ماندن ما به دفاع شرافتمندانه از انقلاب و زحمتکشان ایران مشغولند و در اراده آنها کوچکترین خللی نمی‌توان دید .

برادران ارجمند، حافظ دین خدا باشیم و چهره زیبای اسلام را هر چه زیباتر به جهانیان عرضه کنیم و اسلام علی و ابودرو . . . را از دستبر د بی‌مذهبان مذهب فروش حفظ کنیم . . .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیرامون اشتغال نیمه وقت زنان کارمند

نگرانی بانوان کارمند بجاست یا بیجا؟

چندی پیش لایحه‌ای در باره اشتغال نیمه وقت بانوان از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که متن آن از این قرار است: ماده واحده - وزارتخانه ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت های دولتی و موسساتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مشمول خدمت آنها را نیمه وقت تعیین نمایند.

طراحان و موافقان این لایحه بر این عقیده اند که تحقق آن "عاملی مؤثر در احیاء خانواده و پرورش صحیح فرزندان و جلوگیری از هزرفتن نیروی انسانی مفید و ایجاد اشتغال در جامعه" خواهد بود، زیرا، توجه زن به نقش خود در خانواده به عنوان مدیر خانه و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان در نهی روشن و امیدبخشی از یک جامعه متعالی را جلوه میسازد. متن این ماده واحده و توجیهاات مربوطه به آنرا از روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب حاکم جمهوری اسلامی - دهم بهمن ماه ۱۳۶۱ نقل کردیم.

و اما بانوان کارمند صاف و ساده "نگران آیندگی خویش شدتند که میباید آنها را بعنوان مختلف از ادارات کنار بگذارند و حقوقشان قطع شود." آیا رفتار عناصر مسلمان نما و قشری طی چهار سال گذشته که هدفهای یلید خود را با زور و فشار و نقض قوانین تأمین میکنند، نمی تواند موجب نگرانی بحق بانوان کارمند باشد؟ و مهمترین اینکه در آیندگی آیا باز هم آنها را استخدام خواهند کرد؟

اگر این ماده واحده شامل حال اکثریت ششندگی زنان زحمتکش کشور ما می شد، می توانستیم جمله - "پدازیهای نوسنده روزنامه جمهوری اسلامی را جدی بگیریم و فکر کنیم واقعا قصد کمک به زنان شغل در میان بوده است تا گویا نقش اصلی خود را "به عنوان مدیر خانه و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان" به عهد بگیرند. ولی این لایحه فقط مربوط به بانوانی است که رسمی و ثابت هستند و از شما چه پنهان، مانند تمام کارمندان اداری دولت فقط از ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر یعنی ۶ ساعت در روز کار می کنند و اگر آنها را با زنان کارگر مقایسه کنیم در واقع نزدیک به نیمه وقت یعنی سه چهارم وقت کار می کنند، آنهم بشرطیکه برای کارگران و دیگر زحمتکشان اصل ۸ ساعت کار در روز رعایت شود که نمی شود.

میهن ما ایران حدود ۴۰ میلیون جمعیت دارد. اگر فرض کنیم نصف جمعیت یعنی ۲۰ میلیون تن زن باشند و نیمی از اینان دخترگان خردسال و پیر زنان از کار افتاده، باز هم ده میلیون زن در شهر و روستای ایران در سنین اشتغال هستند و به صورت های گوناگون کار می کنند. ما در مورد تعداد بانوان کارمند رسمی و ثابت آمار در اختیار نداریم اما تصور نمی کنیم تعداد آنان

از صد هزار تن بیشتر باشد. پس با احتمال زیاد این "ماده واحده" در بهترین حالت شامل یک درصد زنان شاغل ایرانی میشود. ضمنا باید یادآور شد برای زنانیکه خود از کودکی بر اثر فقر و محرومیت ها در نارخانه های پارچه بافی و دیگر کارگاهها، پای دارقالی، در مزرعه و خانه، کار سخت و کمر شکن را آغاز کرده اند و در سنین ۲۰ سالگی پنجاه ساله بنظر می رسند و خانهای ندارند که مدیر آن باشند و کودکان خردسال خویش را هم بجای فرستادن به مدرسه به قالی بافی، خدمتکار، رختشویی، فندق شنی و بسته خندان کردن و انواع کارهای شاق و می دارند تا از گرسنگی نمیرند.

دستخیب برای آرام کردن بانوان کارمند اینطور دلداری می دهد:

"بند به عنوان یک خواهر مسلمان توصیه می کنم که ایداً نگران نباشند تا زمانیکه دل و زبان و عمل اینگونه خواهان به اسلام و جمهوری اسلامی و خون پاک شهدا خیانت نکند، بلکه خدمتگزار باشد. جمهوری اسلامی حق هیچ کس را پایمال نخواهد کرد." اما این دلداری خود بقدر کفایت نگران کننده است و نشان می دهد که طراحان لایحه دنبال یک بهانه کوچک می گردند تا زنان را مانند گریه های کثیف از اداره ها بیرون بیندازند و صونیت شغلی با این شرط تضمین شده که "دل



و زبان و عمل " آنها نباید به " اسلام و جمهوری اسلامی و خون شهدا " خیانت کنند. بدیگر سخن نه تنها کوچکترین خرده گیری بر اعمال کسانیکه دارند بنام " اسلام " آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، حقوق قانونی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زن و مرد را پایمال می کنند خیانت محسوب می شود، بلکه پیروژه در مورد زنان می توان حتی یک سانت " عقب رفتن روسری " را هم خیانت به " اسلام و خون پاک شهدا " جلوهگر ساخت و حتم اخراج را کف دستشان گذاشت.

تنها نگرانی بیجای خانم دستخیب آنجاست که تصور می کند که "مدرسه ها و بیمارستانها و در واقع مراکز آموزشی و بهداشتی نمی توانند از وجود خواهان بطور تمام وقت استفاده کنند و اینگونه مراکز دچار رکود می گردند." نه، خیال خانم دستخیب آسوده باشد، همانطور که قانون کار آقای توکل کار کودکان را منع کرده، تنها خواسته که قرار داد کار با قیم آنها منعقد شود، آنجا هم که به نیروی کار زنان نیاز دارند، با هیچ گوناختخت نیمه وقت موافقت نخواهند کرد و "کیان خانواده و تربیت فرزندان برومند" را فراموش خواهند نمود. اشتباه بزرگ خانم های نماینده مجلس اینست که بقیه در صفحه ۱۶

صحت از مدیریت خانه و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان کردن جز یک شوخی تلخ و بی مزه چیز دیگری نیست. تردیدی نباید داشت که قصد طراحان این "ماده واحده" بر خلاف توجیهاات برآب و تاب روزنامه جمهوری اسلامی کمک به زنان زحمتکش ایرانی نبوده است.

خانم دستخیب نماینده مجلس می گوید که این موضوع مورد درخواست خود خانم ها بوده زیرا بارها تقاضای کار کمتر از سوی خانمها مطرح شده بود و از مقامات تصمیم گیرنده مملکت می خواستند به آنها کمک شود تا هم کار خود را از دست ندهند و هم بتوانند بچه دار شوند و بیشتر وقت برای تربیت فرزندان داشته باشند. دولت هم با طرح این موضوع نیت خیری داشته است و می خواسته در حقیقت ثوابی بکند ولی ممکن است ثواب هم بشود و شری بگردنش بیفتد. یعنی خانم دستخیب خود نگران است که میباید مطابق ضرب المثل "آمدیم ثواب نسیم ثواب شد" از این قانون سوء استفاده شود. صاحبه های روزنامه جمهوری اسلامی با چند تن از زنان کارمند نشان میدهند که آنان خواهان کار نیمه وقت نبودند، بلکه مهتد کودکان و کودکان در کنار محل های کار خود می خواسته اند و از این لایحه احساس نگرانی می کنند. بانو

پیرامون اشتغال نیمه وقت زنان کارمند

بقیه از صفحه ۱۵

تصور می‌کنند زنان باین علت به شغل خارج از خانه می‌پردازند که "یا در رژیم طاغوت عادت به صرف پیدا کرده‌اند و یا" جامعه نیاز به کارشان دارد و تکلیفی به آنان پیشنهاد می‌کند. شاید دلیلی طرز تفکر نمایندگان محترم زن این باشد که اینان از خانواده‌های مرفه هستند و خود بر حسب تمسّن بکار خارج پرداختند و درد های زنان کارگر روستائی و شهری را بدرستی نمی‌دانند و بر ایشان روشن نیست چرا زنان شهری و روستائی از بام تا شام به کار سخت و طاقت فرسا می‌پردازند و حتی کودکان خردسال خویشرا نیز به کار وامی‌دارند؟

خانم دستغیب می‌گوید "مادران اندیشمند و دلسوز می‌دانند که اولین و مهمترین وظیفه زن نگهداری فرزند و تربیت آنست". البته زنان زحمتکش شهری و روستائی "اندیشمند" نیستند زیرا امکان سواد آموزی و فرصت آندیشدن در دستشان نبوده است. آنچه که دیدماند شنیده‌اند و با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اند، کار سخت و طاقت فرسا از دوران کودکی تا پیری زودرس و فقر و نکبت دوران پیری بوده است. آنان می‌دانند که برای پرکردن شکم خود و کودکانشان باید شب و روز زحمت بکشند و اینکار را هم بدون اینکه نیازی به نصایح قشرهای مرفه داشته باشند انجام میدهند.

متأسفانه خانم بهروری نمایندۀ مجلس که سخت مرعوب قشریهاست بیش از دیگران نوشیده است جنبه های منفی این لایحه را لاپوشانی کند. او نخست استدلالات عجیب و غریبی می‌کند که گویا در فرانسه علت ورود خانمها به ادارات و شرکتها، کشته شدن میلیونها نفر از مردم و معلول شدن آنها در جنگ دوم جهانی بوده و سپس مدعی میشود که در کشورهای کمونیستی سیاست بر مبنای ثار و اقتصاد است لذا زنها مجبورند کار کنند حتی کارهای مشقت بار و طاقت فرسائی مثل بنائی، گل‌کشی، بیل زنی، اسلحه سازی و حضور در میدان های جنگ و کارهای سنگین و نامناسب دیگر که موجب ملالت و بیماری زنان میشود. واقعاً که اینهمه بی اطلاعی یک نماینده مجلس حیرت انگیز و تأسف آور است. بویژه هنگامیکه یک زن، توجیهگر توطئه های آشکار علیه زنان میشود، نمی‌توان بی تفاوت ماند. نمی‌دانیم خانم بهروری از وضع زنان زحمتکش شهری و روستائی ایران اصولاً اطلاعی دارد و زندگی مشقت بار آنانرا می‌شناسد یا نه؟

زنان تا پاله جمع کن سقر به علت تماس مداوم با فضولات، در معرض ابتلا به بیماریهای پوستی قرار دارند، چون برای درست کردن تا پاله، بسایند دستها و پاها را به کار برد. اما ایشان بجای دل سوزی برای زنان خودمان، بی مقدمه بیاد زنان کشورهای سوسیالیستی افتاده است که گویا بر اثر بیل زنی و گل کشی بیمار می‌شوند! از آن بدتر - خورد او به مسائل درمانی بعنوانه موضوعی مربوطه به حجاب و تقوا و ناموس است. میدانید خانم بهروری در کشورهای سوسیالیستی افتخار می‌کنند

به اینکه هیچ کس در خانمش زاده نمی‌شود و در خانمش نمی‌میرد. زنان باردار اگر وضع غیر عادی داشته باشند حتی، ماهها پیش از زایمان در زایشگاهها نگاهداری میشوند، و زیر نظر دکترها هستند که اکثرآ مرد می‌باشند و بهنگام هر زایمانی علاوه بر پرستار و ماما باید دکتر جراح هم در دسترس باشد تا در صورت پیدایش کوچکترین حالت غیر طبیعی دخالت کند تا جان زانو و نوزاد را حفظ نماید. اینرا هم باید بدانید که جراحان نیز بیشتر مرد هستند و اینکه رفتن سر زانو و مرگ نوزاد در کشورهای سوسیالیستی بحد اقل چند در هزار رسیده است حاصل کوشش این جراحان و وسائیل مجهز پزشکی است که در اختیار تمام مردم میباشد شنیدن سخنانی از نوع اظهار نظرهای خسانم بهروری، در قرن بیستم در بهترین حالت شگفت انگیز است.

سخنان خانم رجایی هم در توجیه این لایحه دست کمی از سخنان خانم دستغیب و خانم بهروری ندارد. ایشان هم در ارتباط با مسئله "تربیت فرزندان که یکی از مهمترین و پیچیدترین مسائل زندگی است" فوری به این نتیجه میرسد که "کار نیمه وقت برای مادران این فرصت را به آنها میدهد که برای مسائل تربیتی فرزندان خود بیشتر فکر و مطالعه داشته باشند." خانم رجائی در پاسخ زنان کارمند که پیشنهاد داده‌اند نه به جای نیمه وقت کردن کار خانمها بهتر است امکانات لازم و یا مهد کودک به وجود بیاورند "میگوید: "مادران باید توجه داشته باشند که هیچ کس نمی‌تواند دایه مهربانتر از مادر باشد." البته دایه معمولاً از ماد مهربانتر نیست ولی دایه آموزش دیده برای کار در شیر خوارگاهها و کودکستانها، بسیار چیزهای می‌داند که مادر زحمتکش و بیسواد نمی‌داند و اگر هم می‌دانست فرصت تحقق آنرا نداشت. خانمها نماینده مجلس هیچ ضرری نمی‌کنند اگر سری بیکی از کشورهای سوسیالیستی بزنند و با شبکه شیرخوارگاهها و کودکستانهای آنها آشنا شوند. آنگاه اگر کمی انصاف داشته باشند تصدیق خواهند کرد که

برای یک مادر اگر حتی تمام روز هم در خانه باشد، امکان ندارد چنین شرایط مناسبی را برای رشد جسمی و فکری فرزند خود فراهم آورد. هر مادر و پدری صبح زود، هنگام عزیمت به کار، کودکان خردسال خویشرا در نزدیکی محل سکونت خود تحویل شیرخوارگاهها و کودکستانهای بزرگ و مجهز میدهند که زیر نظارت مستقیم وزارت بهداشت هستند. کودکان آنجا صبحانه، نهار و عصرانه میخورند، بعد از ظهرها میخوابند، یا انواع بازیهای کودکانه مفید که موجب رشد فکری می‌شود سرگرم می‌گردند، اشعار کودکانه می‌آموزند، ترانه های کودکانه یاد میگیرند، عادت می‌کنند وظایف شخصی خود را بدون کمک دیگران انجام دهند، با هر چیز که بازی کردند بعد موظفند آنرا جمع‌آوری کنند و سر جایش بگذارند والی آخرآ از ۵ بعد از ظهر به بعد پس از بازگشت از کار، پدر و مادرها به کودکستان یا شیرخوارگاه می‌آیند و بچه های خود را تحویل میگیرند.

همین بچه ها هستند که پس از بزرگ شدن تبدیل به کارشناسان عالیقدر در رشته های علمی صنعتی و فرهنگی میشوند و چنان انقلاب علمی - فنی و فرهنگی در شهر و روستای خود بوجود آورده‌اند که متأسفانه ما سالهای سال هم بگرد پایتخت نخواهیم رسید، زیرا هنوز اندر خم یک کوجه ماندیم. این کودکستانها و شیرخوارگاهها تنها باعث ایجاد عقده های روحی در کودکان نمی‌شوند، بلکه آنانرا از همان نخستین گامها بسرای ایستادن روی پای خود در زندگی آماده می‌کنند. اگر کودکان ایرانی هم می‌توانستند مانند کودکان کشورهای سوسیالیستی در هنگام عزیمت مادران و پدرانشان به کار زیر نظر دختران و زنان آموزش دیده و دلسوز در شیرخوارگاهها و کودکستانها باشند از شر بسیاری معایب اجتماعی خلاص می‌شدند. ولی افسوس که ما از این مراحل هنوز بسیار دوریم.

یکی دیگر از افسانه های که قشریها روزانه به زنان ما حفته می‌کنند این است که گویا وظیفه نگهداری و تربیت فرزندان تنها به عهده مادران است و مردان باید به کارهای مردانه خود برسند. در هیچ جای دنیا دیگر چنین چیزی نیست و امید داریم در وطن ما هم باقیمانده های آن به تدریج محو شود. نگهداری از فرزندان و تربیت آنان وظیفه مشترک پدر و مادر است و از همان نخستین ماههای تولد کودک، زن و مرد باید وظایف معین خود را در این جهت بعهده بگیرند. هم اکنون نیز در بسیاری خانواده های زحمتکش پدر و مادر مشترکاً وظیفه نگاهداری و پرورش کودکان را بعهده دارند. و اما در مورد مردان حرمسرا - دار و چند زنه البته که زنان باید در خانه محبوس گردند تا حاج آقا خیالش تخت باشد.

برخی از طراحان این "ماده واحده" پنهان نمی‌کنند که هدفشان از اجرای این لایحه خالی کردن ادارات از زنان و ایجاد امکان اشتغال برای مردان بیکار است. روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است که اجرای این طرح "علاوه بر احیای خانواده ها و اصلاح ادارات از نظر بارگیری نیروهای انسانی عاملی است مؤثر و مفید در ایجاد اشتغال جدید و فرصت کار برای نیروی جوان که بیکار مانده و شاید بهین علت از تشکیل خانواده سرباز می‌زنند."

همین اعترافات ناخواسته است که به بانوان شایسته حق می‌دهد نسبت به اهداف واقعی طراحان این لایحه مظنون باشند و با نگرانی به سرنوشت خود در آینده نزدیک بنگرند.

بیا بیا در پیرخانه کمیته مرکزی ...

بقیه از صفحه ۱۴

می‌طلبیم که هر چه زودتر اجازه دهند هیأتی ناظر، بی طرف و بین المللی مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص وارد در امر شنجه‌های جسمی و روانی با متهمین دیدار و چگو - نگی دریافت این باصطلاح "اعترافات" را برای مردم ایران و همه مردم جهان روشن سازد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲

جوانان ۵۰ کشور پشتیبانی همه جانبه خود را از حزب توده ایران اعلام کردند

ما، امضاء کنندگان ذیل، نمایندگان حاضر در اجلاس هیأت اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات که از ۲۱ تا ۲۳ آوریل در برلن غربی برگزار شد، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استقبال کرده و همواره از آن در مقابل لجن پراکنی و تعرضات آمریکا و هم پیمانانش دفاع نمودیم.

ما به نقش حزب توده ایران و هوادارانش، چه در داخل و چه در خارج از ایران، به عنوان مدافعین پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در تحکیم، دفاع و تعمیق دستاوردهای انقلاب، واقفیم و به آن ارجح می نهیم و بنا بر این از خبر بازداشت نورالدین کیانوری و سایر رهبران حزب توده ایران و همچنین کیومرث زرشناس مسئول سازمان جوانان توده ایران بسیار متأثر و نگران شدیم.

هراس ما از آن است که جمهوری اسلامی ایران راه رفته را بازگرداند، دستاوردهای بنیادی مندرج در قانون اساسی، به نفع زحمتکشان، مانند تقسیم اراضی و ملی کردن بازرگانی خارجی زیر پا گذاشته شود و باعث سستی ستونهای انقلاب گردد. ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران، که اکنون مسئول سلامت جان این زندانیان می باشند، مصرانه می طلبیم که در آزادی بلاد رنگ و بی قید و شرط آنان اقدام نمایند، تا این مبارزین بتوانند به وظایف خود در دفاع از انقلاب ادامه دهند.

• سازمان جوانان دمکرات افغانستان • جنبش مردمی جوانان برای آزادی آنگولا • فدراسیون جوانان کمونیست آرژانتین • اتحادیه جوانان بنگلادش • جوانان کمونیست بولیوی • جوانان کمونیست برزیل • جوانان کمونیست شیلی • جوانان سوسیالیست شیلی • جوانان کمونیست کلمبیا • اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو • جوانان پیشاهنگ (آوانگارد) کوستاریکا • سازمان متحد جوانان دمکرات قبرس • جوانان کمونیست دانمارک • جوانان سوسیالیست جمهوری دمیکن • جوانان انقلابی دمیکن • جوانان کمونیست اکوادور • اتحادیه جوانان دمکرات مصر • سازمان جوانان دمکرات فنلاند • جنبش جوانان کمونیست فرانسه • جوانان کارگر سوسیالیست آلمان فدرال • سازمان جوانان کمونیست بریتانیا • سازمان ملی جوانان گرنادا • جوانان کمونیست یونان • سازمان جوانان پیشرو گایانا • فدراسیون سراسری جوانان هند و - ستان • سازمان جوانان کمونیست اسرائیل • سازمان جوانان (پ.ان.م) جامائیکا • سازمان جوانان دمکرات ژاپن • سازمان جوانان سوسیالیست ژاپن • سازمان کارگران سوسیالیست کره (جمهوری دمکراتیک کره) • اتحادیه جوانان دمکرات لبنان • کمیته انقلابی جوانان و دانشجویان برای دفاع از انقلاب سوسیالیستی (ماداکاسکار) • اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان • اتحادیه کل دانشجویان فلسطین • جوانان حزب خلق پاناما • جوانان کمونیست پرتغال • سازمان ملی جوانان - کنگره سراسری خلق سیرا لئون • فدراسیون جوانان کمونیست سریلانکا • اتحادیه جوانان سودان • سازمان جوانان کمونیست سوئد • سازمان آزاد بیخش کارگران جوان ایالات متحده آمریکا • اتحادیه جوانان کمونیست اوروگوئه • جوانان کمونیست ونزوئلا • اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مینه • اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن (یمن دمکراتیک) • سازمان جوانان کمونیست مالتا • سازمان جوانان پیشرو ترکیه • سازمان جوانان سوسیالیست کارل لیکنشت برلن غربی • اتحادیه جوانان سرب • اتحادیه بین المللی دانشجویان آی.یو.اس

بود که به تسریع سیاستهای مداخله گرایانه امپریالیسم در این مناطق پرداخته، این سیاستها را بشدت محکوم نموده و همبستگی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات را با خلقهای در حال مبارزه با امپریالیسم اعلام می داشت.

از طرف جوانان توده ایران یک هیئت نمایندگی به عنوان عضور رسمی هیئت اجراییه در این پلنوم شرکت داشت و طی یک سخنرانی، تحلیلی از اوضاع کنونی جهان و موقعیت ایران ارائه داد. سخنران این هیئت در نطق خود پس از اشاره به خطری سابقه ای که از جانب سیاستهای تسلیحاتی امپریالیسم صلح جهانی را تهدید می کند اظهار داشت:

"امپریالیسم با تمام توان خود برای بدست آوردن برتری جهانی تلاش می کند و به خاطر آن از هیچ وسیله ای، حتی از جعل آمار بمنظور متمایل کردن افکار عمومی به سوی سیاست تسلیحاتی خود و برای اثبات ادعای واهی بقیه در صفحه ۲۰"

پلنوم هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات با موفقیت برگزار شد

لقب گرفت، تحت عنوان "موشکهای هسته ای جدید نباید در اروپا مستقر گردند و به سوی اروپای تهری از سلاحهای هسته ای"، به اتفاق آراء تصویب شد. این قطعنامه ضمن اعلام پشتیبانی از پیشنهادات اخیر کشورهای عضو پیمان ورشو، سیاست جنگ طلبانه کشورهای عضو ناتو، به ویژه آمریکا را محکوم کرده و از این کشورها خواست تا پاسخ سازنده و واقع گرایانه ای به این پیشنهادها بدهند.

دومین سند مصوبه پلنوم تحت عنوان "بیانیه همبستگی با مبارزات جوانان و خلقهای آسیا، آفریقا و آمریقای لاتین در مقابل سیاست مداخله گرایانه امپریالیسم"، شامل ۱۹ ماده

پلنوم هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۲۱ تا ۲۳ آوریل در برلن غربی با شرکت هیئت های نمایندگی سازمانهای جوانان از ۵۷ کشور تشکیل شد.

در این پلنوم گزارش دفتر سیاسی و همچنین طرح برنامه فعالیت های آتی فدراسیون به اتفاق آراء پذیرفته گردید. طبق این طرح فعالیت های آینده اعضا این فدراسیون بر شالوده مبارزه برای حفظ صلح خواهد بود. شرکت کنندگان در این اجلاس پس از سه روز بحث سیاسی و تبادل تجارب مبارزاتی کشورهای مختلف، با تصویب قطعنامه به کار خود پایان دادند.

اولین قطعنامه که "بیانیه برلن غربی"

روزنامه "جمهوری اسلامی" منادی انقلاب و اسلام است و یابلندگوی امپریالیسم خبری؟

روزنامه "جمهوری اسلامی" در شماره دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۲ خود مقاله‌ای را از "دیلی تلگراف" یکی از ارتجاعی‌ترین روزنامه‌های انگلستان به نقل از "گرسنت اینترنشنال" زیر عنوان "آپارتاید" نظامی در شش روز ترجمه و چاپ کرده است.

این یکی از مقالات پیش‌پا افتاده و بی ارزش ضد شعری و ضد کمونیستی است که هر روز در روزنامه‌های ارگان امپریالیسم خبری بچاپ میرسد و معلوم نیست چرا اینقدر جلب توجه سردبیر روزنامه "جمهوری اسلامی" را کرده که حتی بخشش از آنرا با حروف سیاه به چاپ رسانده است. اما هنگامی که اندکی دقیقتر به قسمت‌های برجسته شده

بنگرم در خواهیم یافت که چرا این قی‌کردن‌های امپریالیسم خبری بدهان حجت‌ها می‌زنند است: "آسیایی‌های مرکزی که در ارتش شوروی خدمت کرده‌اند، به تصیف حوادثی پرداخته‌اند که در جریان آن، روس‌ها سعی کرده‌اند مسلمانان را وادار به خوردن گوشت خوک بکنند." معلوم میشود که این "روسها" خیلی آدم‌های بدی هستند. در ارتش‌های آمریکا و انگلستان و فرانسه که تعداد مسلمانان چندان اندک نیست، همیشه گوشت گوسفند و گاو ذبح شده بطریق اسلأ به سربازان مسلمان داده میشود در حالیکه این مارکسیست‌های ملحد سعی میکنند مسلمانان را وادار به خوردن گوشت خوک بکنند. از اینجا روشن میشود که دشمن اصلی ما مسلمانان، کفر و الحاد

است و گرنه با بیرون راندن مذاهب منسوخ که هستند و غذای خودشان را به ما تعارف نمی‌کنند و جبهه مشترک زیاد داریم و حتی میتوانیم دروفه‌ایشان را سخته نقد بگیریم و در ارگان حزب جمهوری اسلامی منعکس کنیم!

نمیدانیم آیا آقای سردبیر اطلاع دارد که از صد و چند سال پیش تا کنون، سرمایه‌داران و غارتگران ملی و بین‌المللی، برای گمراه کردن توده‌های زحمتکش و مانع‌ت از گرایش‌شان به مارکسیسم و کمونیسم پیوسته بدروغ‌هایی از قبیل اشتراکی‌زنان متوسل شده‌اند و میشوند؟ و اینکه که سوسیالیسم واقعاً موجود نظام استعماری آنها را از هم فروپاشیده و تکیه مستحکم برای مبارزه با نواستعمار و امپریالیسم بوجود آورده هر روز دروغ‌های تازه‌تری ابداع میکنند تا لاقل اتحاد شوروی را هم شریک جرم خویش جلوه دهند و خلق‌های جهان را نسبت با اتحاد شوروی بد بین کنند تا در حیطة نفوذ غرب امپریالیستی باقی بمانند.

آخر این امپریالیسم انگلستان که پایه گذار تبعیض نژادی است و هنوز هم خود ایالات متحده آمریکا و جمهوری آفریقای جنوبی بدترین نمونه‌های تبعیض نژادی نوع انگلیسی را میتوان دید چه اعتباری نزد شما دارد که از قول یک تاریخ‌شناس انگلیسی اظهار نظر می‌کنید که "دستگاه رهبری شوروی یک نظام "آپارتاید" نظامی را اعمال میکند؟ و نه تنها این، بلکه "پارای از تحلیل گران غربی عقیده دارند که خشونت‌های ناشی از نژاد پرستی ممکن است بیش از آن که در باره آن گزارش داده شده است در حیات سر بازخانه شوروی روی بدهد اما این "تحلیل گران غربی" از سرهم‌پند کردن تمام این اراجیف قصد القا کردن یک فتر معین را با شخص ساده لوح داشته‌اند که متأسفانه مترجم سردبیر روزنامه "جمهوری اسلامی" هم از حول حلقم توی دیگ افتاد ماند:

"هرچند احتمال نمیرود که در صورت مداخله شوروی در لهستان، عامل مسلمان بودن سربازان مانعی باشد، اما هر گاه روسیه عملیات نظامی بزرگی را در منطقه خلیج فارس آغاز کند، این عامل میتواند مهم از نادر در بیاید. همچنین اگر این گونه اقدام علیه چین که خود ۱۵۰ میلیون مسلمان دارد انجام شود، عامل مزبور میتواند با اهمیت از نادر در بیاید. نیروهای مداخله سریع آمریکا در مصر و ترکیه و خلیج فارس آماده تجاوزه به شور ماست. "جمهوری اسلامی" از اعلان عملیات نظامی اتحاد شوروی در خلیج فارس صحبت میکند. امپریالیسم در سراسر جهان و بی‌ترتیب در خارج نزدیک و میانه، آمریکای مرکزی، آفریقای جنوبی در حال مداخله و تجاوز نظامی است، "جمهوری اسلامی" از احتمال مداخله در لهستان و حمله به چین از جانب اتحاد شوروی صحبت میکند.

باید پرسید "جمهوری اسلامی" منادی انقلاب و اسلام است یا بلندگوی امپریالیسم خبری؟

آیا سیاست داخلی و خارجی حزب جمهوری اسلامی "یکروز پیمان دوستی، روز دیگر قتل عام" است؟

هشدار داد، که ما چنین شیوه‌ای را، یعنی شیوه‌ای که "هدف وسیله را توجیه کند" شایسته "جمهوری اسلامی" نمی‌دانیم. در مورد این قسمت سخنان رئیس‌جمهور باید به این نکته تأکید و اشاره کرد، که این قانونمندی هر انقلاب است، که با گسترش جنبش انقلابی در جهت تعقیق حواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه اقتضای میانه و آنها که منافسان در جهت تعقیق انقلاب به خطر می‌افتد، از انقلاب روی برمیگرداند و به نیروهای ضد انقلاب می‌پیوندد. تجربه انقلاب ما در مورد لیبرالها، بخشهای مهمی از بازاریان و سرمایه‌داران تجاری فریب شده و مخالفان سرسخت هرگونه اصلاحات بنیادی و انقلابی نیز همین نکته را می‌آموزد.

لذا ما حق داریم و مایلیم سخنان حجت الاسلام خامنه‌ای را در مورد سرکوب آن نیروهای که روزی با انقلاب "پیمان" بسته بودند و با تعقیق انقلاب از آن رو برگردانند، اینگونه درک میکنیم که آن "اصول" که معین کننده "موضعگیرها" در جریان رشد انقلاب است، نه "مصلحت زمان"، بلکه "اصول سیاسی" پایداری است، که باید از اهداف انقلاب نشأت گرفته باشد.

● توده‌های بر سر پیمان خود باید آرند

این اصول یعنی "موضعگیری" انقلاب برای قطع کردن دست غارتگران و تروریستهای اقتصادی و دادن زمین به دهقانان و تأمین مسکن برای بی‌خانمانها! اگر اینها "اصول" انقلاب و معین "موضعگیرها" آن بودند، که بودند، آنوقت آنها که با این اهداف "پیمان دوستی" بسته بودند و اکنون از این اهداف رو بر گردانده‌اند، پیمان شکسته‌اند.

در شماره ۱۷ اسفند ۱۳۶۱ روزنامه جمهوری اسلامی سخنرانی حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در برابر گروهی از نثار- نشان امور خارج از کشور این حزب، درج شده بود، یک بخش از این سخنرانی حاوی نکته‌ای بسیار پر اهمیت و در عین حال سخت نگران کننده است. ظاهراً آقای رئیس‌جمهور در برابر پرسشی پیرامون وحدت عمل با دیگر نیروها و شیوه رفتار با آنها، در نبرد برای اهداف مشترک چنین پاسخ داده است: "همیشه حوادث یکجور نیست آقا! همیشه گه موضعگیریهایی موسمی سیاسی به یک نوع نیست. جمهوری اسلامی مثل پیغمبر اکرم (ص) یک روز با بنی قریظه پیمان دوستی می‌بندد، یک روز بنی قریظه را با آن شکل قتل عام می‌کند. جمهوری اسلامی که نمی‌تواند موضعگیریهایی سیاسی را همواره بیک روال قرار بدهد."

آنچه که به نظر ما از این پاسخ حجت الاسلام خامنه‌ای به پرسش‌کننده میتوان فهمید، این است که سؤال کننده نباید از برخورد "جمهوری اسلامی" با آنانی که با اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران "بیعت" کرده‌اند تعجب کند. "جمهوری اسلامی" کارش "موسمی" است! یکروز "پیمان دوستی" می‌بندد و یکروز "قتل عام" می‌کند.

البته ما متخصص تاریخ اسلام نیستیم، ولی سخنان حجت الاسلام خامنه‌ای را در مورد شیوه پیغمبر اسلام این گونه درک می‌کنیم، که "بنی قریظه" پیمان دوستی را شکستند و شایسته "قتل عام" شدند! در غیر اینصورت باید این سخنان را اینگونه درک کرد، که "جمهوری اسلامی" یکروز "پیمان دوستی" می‌بندد تا "موضعگیری موسمی سیاسی" خود را پیش ببرد و فردا که به هدفش رسید، پیمان می‌شکند و دست به "قتل عام" می‌زند! آنوقت باید

به یاد محمد علی افراشته

شاعر توده‌های



که بالای روزنامه چنگر نوشته بود: بشکنی ای قلم، ای دست اگر

بیچی از خدمت محرومان سر وفادار ماند و هم اکنون در آرامگاه خود در زیر این شعار خفته است. اینک بخشی از شعر "پندیات" او را که به صورت نضایح یک مترجم به افراشته برای دست کسیدن از افکار توده‌های سروده شده پس‌سرایی خوانندگان "راه توده" نقل میکنیم.

با سیاست است. افراشته مطالب اجتماعی و سیاسی را غالباً بصورت مکالمه افراد عادی در می‌آورد و انس خود را از این راه به درک عموم نزدیک میساخت. افراشته از طرف مردم بحق شاعر توده نام گرفت. روزنامه چنگر که در دوران اوج نهضت ضد استعماری مردم ایران بعد بریت افراشته منتشر میشد نقش بزرگی در بیسرفت این مبارزه مقدس بازی میکرد. محمد علی افراشته تا نفس وایسین به شعاع

۱۶ اردیبهشت، ۲۴ سال تمام از درگذشت محمد علی افراشته، شاعر توده انگیزد. وی از نخستین سالهای تأسیس حزب توده در ایران به حزب پیوست و همه نیروی هنری و ادبی خویش را در خدمت خلق گذاشت. افراشته که خود فرزند زحمتکشان ایران بود، نرسدگی و آرمانها و آداب و سنن و زبان عادی مردم را بخوبی میشناخت و با موفقیت درخور تحسین آنها را در اشعار خود منعکس میکرد. ساخته‌های افراشته نمونه برجسته‌ای از درآمیختن ادبیات

پندیات

کرد تا او خود سرمد و سک سخت
و آن در کوه خنده خود را در سرور
و آن در کرم داد به سخت فسر
و آن در گراز آخو کردیده هست
و آن در کوز دزدده ملبوس ملبوس
مسود مانده از هم آسمان
ارد او را نماز در عسا
حسک خواهد گفتد برای حذر
ا: تنور سیرین محو سوسند آت
دست زحمتگر بهال مسا دراز
مرگ طفلم، حق فرم بند منسند
بار صوره کرد هم ست از تو من
حورد هم سنگ سک بول سناه
خاصه حاجی اصغر مسلاک را
با خود سر آورده بجز از مصر سام
حدتا را کست حاجی ما لگند
دستان باناروا مانا دلیل
زرخورد خوشتر مسدا دان
داده بوده سک صاحبسیران
هست سک فرمی از آن عد و سید
عدکس دلوا س سردور ست
برگز از بی دواشی مرد سرد
دست بر دارند از اس های و جو
رسه و اعصاب توده د سمساست
سنگر ماهاست نه زحمتکشان
باک رهسی سک قلم سال سما
اسلحه دادیم بر سید سدر
سر حالی کن به همکاران خوشر
بچه‌های بزرگسار کارگر
بچه‌ها را ساسیان و پاسدار
با همان بر فله متازیم سا
دزد اثر هم اما ما هم
نمسه میجنم از سهر نفاق
چنگان وقتی که سد حظ منسم
از نفاق بده بسکن مرنسم
کردد از طراری ما با حسر
آمدیم از بهر حق و مزد خویش
ارعه ویم وازد حام کارگر
سکه فاتح آمد اراس سارار

برگ س راس بر در درخت
آن بی نفاخته حاک سمر
آن بی افتاده اند رهگذر
آن بی را نان خواندند س
آن بی گشته سحر کوبین
غیر از اس برهم خورد نظم‌چها
ماه خواهد رف خلق ارد هسا
مسود خویر سید سغه از کسر
بالداهه مسود دنا حیراب
عرس ملرزد سید کرم غسار
کارگر را خسه سخته می کید
هرده ساند لا شو سک برهن
دند نام در عمر خود می سفت سا
حوی سامرد اسیر حاک را
آن حوی آموزند س حل ناظم
دند نام با حتم بر عصا حد
دهنه آنها عد سدد و دلیل
با حاجی اصغر حلد آسان
با حاجی مس آن حاکسرا
سدها جان مرد ورد در عمر حد بد
اند راس عمر مسحور س سست
کارگر از بی ذاتی سرد سرد
ره بدل ما بجز خود سکسو
دولت ارم مجلس از ما اغساست
باک ملی برده سر سر کسان
باک شاهای کعبه آمال سا
ما بد س بچه ای کارگر
ما بدان سرماز سخته سسر
هسا آن ز ادم در کوه و لمر
سر جسمی های ما سدر رفار
سایان از فعله مسازیم سا
کم اگر هسنم اما مد سسم
رنجیر هر جا که دارد اتغای
ترک رایا فارس در جنگ انکم
چنگهای مذ هسی برما تنم
وای از آن ساعت که قوم رنجیر
سکل و یلجان بشوید سترس
ترسد ارم از فام کارگر
اول جنگ است جنگ بول و کار

اس ادا اطورهای تسار
توجه‌کاره هستی این کوشه کنار
هر زمان میخوانی آوار دگر
که معماری کپی میزنند کنار
جزئی میبازی اما کم ننگ
د کواهی نامداری نه حیوان
بیتر از انبیا دانستمان انتصار
صفحه‌ها برسد ما پریشانی
میشد از بهر تو حظ و نسا
تا جرات این بعب بردارت بول
رخنه کرده برده ارگس ده
مردها زنها همه کسب میزند
حسنتی را سکتند با سعسرت در
هست عزرائیل ما کنتسار تو
حای یک سانت آشتی بنگذاشتی
میچی یاره زد ست ما یفسه
کی ترا داخل به حزب توده کرد
توجه‌داری میکی ما بینسان
یک کی شد کشور حم تق و لوق
ترک، گیلک، فارسی، لر هر تیره یو
نام خود را فرقه توده گذاشت
ارمنی هم با مسلمان همنسین
کی شوند این دو رمیق یکدگر
فعله را با ما برابر می کنند
فکر ما روحیه ما در عذاب
محترم هستند در این سرزمین
بر خلاف نص قانون، نادرست
بزرگ لختی کجا و حال کجا
فرق با لختی ندارد مرگ مس؟
عجبی پریاد کرده همچو سوک
کو بزرگ بار سکن کرده غسرت
خط سلوارش بخته سسم تسار
لحت و لرزان کوشی پگرفتند و س؟
مینوسد ده که کسدم را بده
کو برابر میرد با ناو نسرت؟
د شمن عادت بیاسستی شدن
کارگر بهره خواهد کرد کار؟
هر که را هر چیز لاق بید داد
تخم گنجشک از جهان برداشتی

بخته ن افراشته معازره را
د مفید به اندراین د سار
هرد قیقه میرنی ساز دگر
که سوسنده کپی آموزشار
تازنی شاعر شد سنی منسک
ای میا شاعران شاعر مجاز
از تبعید از سست سال آنگار
اغشا را سکتند لحرور میکی
صف حریولان صف حر حرمان
تارخامچی از اسعارت سلول
دند نام شعر تود در دان ده
شعر میخوانند با صوت بلند
در تمام کارخانه کارگر
بد تر از سبیل ملح اشعار تو
تخم غوغای غربی گانگستی
خل غدی شاعر مگر بی سابقه
ست و بانث راجه کس لید هکرد
تو کجا این دست جاقو کسان
یک دوسهالی که برگشته ورق
گیر و ترسا و مسلمان و پیسود
هر که از بازوی خود سرما بده است
ماند به به هیچ حزبی اینچنین
ترک هم با فارس میجو شد مگر
حرفهای شاخداری می زیند
تزد هاید آسایس مارا حیراب
طبق قانون اساسی مالکین
ادعای بی برویی هستوست
بی سروی باکها اغبان کجا
آنه دارد خانه باغ و چمن
آنه له داد متوی ماسین جیخو ک
او ندارد فری با آن چرخ کس
آنه دام هست حاطس بکار
او دارد فرق با آن رده بیوس
آنه در عمر سید بده رنگ ده
او ندارد فرق با آن بزرگسار
خرد بی منطق سناستی زدن
گر بیاسد مالک و سرمایه دار
حالی رازنی خدای عدل و داد
(گریه مسکن اگر سرداشتی)



پنجمین سالگرد انقلاب تور در افغانستان

مردم زحمتکش افغانستان پنجمین سالگرد انقلاب تور را با تظاهرات و رژه با سده خود در کابل و دیگر نقاط کشور گرامی داشتند.

کارگران، دهقانان، پیسه‌وران و دیگر اقشار زحمتکش این کشور با شرکت وسیع خود در این تظاهرات و با حمل شعارهایی مبنی بر پشتیبانی از حاکمیت انقلابی استحکام روز افزون پیوند خود را با آن اعلام داشتند.

بیرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب کشور در نشست رسمی که به این مناسبت ترتیب یافته بود گفت که انقلاب تور ۱۳۵۷ در افغانستان واتعمای تاریخی است که درهای ترقی، رشد و سعادت و تحولات بنیادی را بر روی خلق‌های افغانستان گشود وی گفت وقایع ۵ سال گذشته نشان داده است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان قصاد راست‌جامعه را اداره کند. با وجود شرایط بسیار دشوار و استباهات ذهنگرایانه کوناگون در مرحله اول انقلاب، حزب قادر است پیروزی نهایی را تأمین کند. حزب توانسته است، خود را از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و تسلیحاتی تقویت کند.

بیرک کارمل، تشکیل جبهه ملی-میهنی را در آن تمام نیروهای ملی و میهن‌پرست کشور گرد آمدند، دستاورد مهم روند انقلابی کشور خواند.

وی گفت مبارزه علیه ضد انقلاب، و ایجاد محیط امنی برای مردم در ارتباط تنگ با حمل محضلات اقتصادی دارد. گسترش دستاورد های انقلاب نقش مهمی در انزوی سیاسی و اجتماعی ضد انقلاب ایفا خواهد کرد. بدینعلت نیز رشد همه جانبه کشور و بازسازی مؤسسات تخریب شده توسط ضد انقلاب همانقدر فوری و ضروری است که مبارزه علیه ضد انقلاب.

وی افزود با وجود ادامه جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه افغانستان، دولت موفق شده است مقادیر متنابهی از بودجه کشور را در راه بازسازی اقتصادی کشور، تأمین مایحتاج عمومی مردم، آموزش و پرورش و مبارزه با بیسوادی و رشد فرهنگ ملی تخصیص دهد. دولت در آینده توجه بسیار به حمایت از دهقانان، گسترش و تعمیق اصلاحات ارضی و آب‌مذول خواهد داد. دانست. وی گفت حکومت مردمی افغانستان توانسته است با وجود ادامه مداخله نظامی در امور داخلی افغانستان که از طرف امپریالیسم آمریکا به آن دامن زده میشود، مواضع خود را مستحکم سازد. در حال حاضر مرحله پایانی سرکوب ضد انقلاب و نابودی راهزنی فرا رسیده

پلنوم هیئت اجرائیه فدراسیون جهانی جوانان

بقیه از صفحه ۱۷

خود مبنی بر برتری نظامی اتحاد شوروی، روی گردان نیست. اما علیرغم این تلاشها، مردم صلح دوست جهان در کنار کشورهای سوسیالیستی به خصوص اتحاد شوروی به فعالیتها ی خود برای حفظ صلح ادامه داده و آنرا شدت بخشیدند.

"امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا نسان داده که هیچ تغییری در سیاست جنگ طلبانه خود نداده است و هنوز "جهان سوم" را به عنوان ملك شخصی خویش تلقی میکند و قصد دارد کلیه جنبش‌های آزاد بیخس، دموکراتیک و ملی را در این مناطق نابود کند. از این سیاست، انقلابات ایران و افغانستان نیز مستثنی نبودند.

سحران سپس به نقش انقلاب ایران در برهم زدن حسابهای استراتژیک امپریالیسم در منطقه پرداخته و دستاورد های این انقلاب، از جمله خروج ایران از سنت و اخراج ۵ هزار مستعمر نظامی آمریکا از خاک ایران را خاطر نشان کرد. وی همچنین به جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران اشاره نمود و آنرا جزئی از سیاست امپریالیسم در منطقه دانست که علاوه بر تضعیف انقلاب ایران، به ارتجاع منطقه کمک کرده و باعث خطر افتادن صلح در منطقه و در نتیجه در جهان می‌شود. وی سپس نقش جنگ تحمیلی و دیگر عوامل در تقویت نیروهای راستگرا در ایران را که باعث ایجاد بحران کنونی انقلاب ایران شد، بررسی کرده

و در این خصوص اعتراض شدید جوانان توده ایران را به دستگیری رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و سایر رهبران حزب و همچنین رفیق کیومرث زرتشت‌ساز مسئول سازمان جوانان توده ایران اعلام نمود. نماینده جوانان توده سپس گروهی از مشکلات انقلاب ایران را بر سرده گفت:

"علیرغم تمام این مشکلات و بیچیدگی‌های ایران، مردم ایران می‌دانند که آینده شان در گرو سد کردن سیاست تعرضانه سرمایه داری انحصاری و به ویژه انحصارات صنایع نظامی آمریکا می‌باشد. ما وظیفه خود می‌دانیم که از دستاورد های انقلاب ایران دفاع کرده و در جهت کاهش تسلیحات و تنش در منطقه بکوشیم و برای پایان دادن به جنگ تحمیلی امپریالیسم از میسج کوسسی روی گردان نباشیم."

وی سپس پشتیبانی سازمان جوانان توده ایران را از پیشنهاد اتحاد شوروی برای تبدیل خلیج فارس و اقیانوس هند به مناطق غیرنظامی اعلام کرده و سخنرانی خود را چنین خاتمه داد: "امروز هیچ وظیفه‌ای مهمتر از حفظ صلح در جهان در برابر بسریت فرار ندارد، زیرا که بسریت، زندگی، آرمانها و تاهمی تلاش وی برای تحقق این آرمانها، در صورت بروز جنگ هسته‌ای در زیر خاکستری که جهان را فرا می‌گیرد، دفن خواهد شد."

است. وی از شک های برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی قدر دانی کرد. وی بلا محکوم کردن سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا که جهان را به ورطه جنگ جهانی دیگری نزدیک ساخته است، از پیشنهادات صلح‌دوستانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی کرد. وی با اشاره به موفقیت کنفرانس سران جنبش غیر متعهد ها، از مصوبات آن استقبال کرده و افزود که دولت افغانستان خواهان حل سیاسی مسائل پیرامون این کشور است.

نیکاراگوئه

دانیل اورنکا، رهبر انقلاب نیکاراگوئه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که آمریکا در حال تدارک طرح حمله همه جانبه به نیکاراگوئه است. وی گفت دولت و جبهه آزاد بیخس ساند نیست درباره اوضاع خطرناک و متشنج در منطقه بدست نگراند.

وی افزود مدارکی در دست است که ثابت کند که یک جبهه تجاوری جدیدی علیه نیکاراگوئه از خلق کستاریکا، بدون اطلاع دولت آن در حال شکل گیری است. طبق گفته اورنکا ۵۰۰ ضد انقلابی مزدور در حال آماده شدن برای حمله به این کشورند. در هند وراس نیز ۲۵۰۰ طرفدار سوموزا متفرقتند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در الدنبرگ

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

از لاندزهوت ۲۰ مارک

RAHE TUDEH

No. 40

Friday, 6 May 83

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

تفسیری از پراودا: کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران

روزنامه پراودا، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تاریخ ۶ ماه مه ۱۹۸۳ مقاله - ای تحت عنوان "کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران" انتشار داده است.

این مقاله در آخرین لحظاتی که راه توده به زیر چاپ می‌رفت بدست مارسید که بعلت اهمیت آن "راه توده" قسمت‌هایی از آنرا بصورت ضمیمه منتشر می‌کند.

اصل مقاله در شماره ۶ آینده درج خواهد شد. پراودا در ابتدا با اشاره به تبلیغات وسیع ضد شوروی در ایران می‌نویسد:

"در این اواخر رسانه‌های گروهی و بعضی از مقامات دولتی ایران به يك تبلیغات وسیع دست زده‌اند مبنی بر اینکه گویا اتحاد شوروی مشخول جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی و بدست آوردن اطلاعات سیاسی و نظامی از اوضاع ایران میباشد.

سپس پراودا با توجه به دستگیریهای اخیر گروهی از رهبران حزب توده^۶ ایران از این صحبت می‌کند، که رسانه‌های گروهی و مقامات فوق‌الذکر ایرانی بر این فشاری می‌کنند که گویا ایمن بازداشت شدگان به علت "جاسوسی برای دستگاه‌های امنیتی اتحاد شوروی به زندان افکنده شده‌اند".

پراودا ادامه می‌دهد: آنها از باصطلاح "اعتراضات" صحبت می‌کنند، که از طریق تلویزیون تهران به پخش وسیع آن دست زده‌اند.

پراودا خاطر نشان می‌سازد که آنچه که رسانه‌های گروهی ایران و بعضی از مقامات دولتی ایران بر آن فشاری می‌کنند "بر هیچ اساسی متکی نیست" و تاکید می‌کند که "حزب توده ایران هیچگونه اسراری که مربوط به وضع سیاسی و نظامی ایران باشد به اتحاد شوروی نداده است" و اضافه می‌کند که "رهبران حزب توده^۶

ایران، که هیچ يك از مقامات دولتی را شاغل نبوده‌اند و هیچ مقامی را در بخش‌های سیاسی و انتظامی دارا نبوده‌اند، از گجا و چه اطلاعاتی را می‌توانسته‌اند به اتحاد شوروی بدهند پراودا خاطر نشان می‌کند که رهبران حزب توده^۶ ایران هیچ پستی در درون نیروهای نظامی دارا نبودند و حتی اعضا^۶ عادی حزب توده^۶ ایران را نیز به قوای نظامی نمی‌پذیرفتند.

سپس پراودا در مورد ارزش "اعترافات" که زیر فشار شکنجه از بعضی از رهبران حزب توده^۶ ایران بدست آمده است، می‌نویسد:

ارزش واقعی و بی‌اساس و پایه بودن این "اعترافات" مبنی بر جاسوسی رهبران حزب توده ایران به نفع شوروی برای خود آنها (حاکمیت ایران) معلوم است و اضافه می‌کند که: این دیگر جزو اسرار نیست، که در عرض دو سال اخیر دستگام‌های تضحیق و شکنجه ایران بسیاری از اعضای حزب توده^۶ ایران را به زندانها افکنده و (باز این جزو اسرار نیست) که علیه افراد زندانی شده شیوه‌هایی برای "اعتراف‌گیری" بکار برده می‌شود، که از ساواک شاه به ارث مانده است!

سپس پراودا در مورد اعمال این شیوه‌های تضحیقی توسط رژیم‌های ارتجاعی علیه رهبران احزاب کمونیستی می‌نویسد:

شیوه بکارگیری اتهام "جاسوسی" و "اعتراف‌گیری" از رهبران احزاب کمونیستی و کارگری مورد استفاده بسیاری از کشورهای ارتجاعی قرار می‌گیرد تا به این وسیله يك جنگ صلیبی را علیه کمونیسم براه اندازند.

پراودا سپس با توجه به سیاست امپریالیسم آمریکا و عملکرد عمال دستگاه‌های جاسوسی سیا، اینتلجنس سرویس، موساد و ساواک و دیگران می‌نویسد:

بقیه در صفحه ۲۰ ضمیمه

کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران

بقیه از صفحه پیش

پراودا ادامه می دهد که : به این نوع دروغها تمام رژیم های ارتجاعی متوسل شده اند و می شوند تا مناسبات پاك و مستقل بین احزاب کمونیستی و کارگری جهان را با حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد سوآل قرار دهند و آنرا در زیر پرده ابهام بپوشانند .

پراودا در مورد علت بکارگیری این شیوه مزورانه اظهار می کند که آنها از این طریق سعی می کنند این نتیجه گیری را القا کنند ، که اتهام جاسوسی به رهبران احزاب کمونیست و کارگری تضاد فی نیست و گویا نتیجه وابستگی این احزاب به حزب کمونیست اتحاد شوروی است .
" راه توده " تمام مقاله پراودا را در شماره آینده درج خواهد کرد .

با تکیه به اسناد و شواهد می توان گفت ، که جاسوسان خارجی در ایران بر اساس شیوه براه انداختن يك جنگ صلیبی ، به تنظیم اسناد نا درستی دست زده اند تا اتحاد شوروی و ایران را در مقابل هم قرار بدهند و از این طریق توطئه های خرابکارانه خود را در ایران علیه رژیم خمینی در پشت آن بپوشانند .

در ادامه مطلب پراودا در مورد دسیسه خائنا نهی که حزب ما را وابسته به اتحاد شوروی قلمداد می کند ، می نویسد :

توطئه (اتهام) وابستگی حزب توده ایران به اتحاد شوروی و اینکه گویا حزب از مسکو اداره می گردد ، کوچکترین نشانی از واقعیت ندارد و در عین حال مطلب تازه ای هم نیست .